



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# نظام افیش

از دیدگاه قرآن و حدیث

(تفسیر موضوعی المیزان)

به اهتمام: سید مهدی امین

یا نظارت: دکتر محمد بیستونی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# نظام آفرینش از دیدگاه قرآن و حدیث

نویسنده:

مهدی امین

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۸	نظام آفرینش از دیدگاه قرآن و حدیث (تفسیر موضوعی المیزان)
۸	مشخصات کتاب
۸	فهرست مطالب
۱۱	تقدیم به
۱۲	متن تأییدیه حضرت آیه‌الله محمد یزدی
۱۲	متن تأییدیه حضرت آیه‌الله مرتضی مقتدایی
۱۳	متن تأییدیه حضرت آیه‌الله سیدعلی اصغر دستغیب نماینده محترم خبرگان رهبری در استان فارس
۱۳	مقدمه ناشر
۱۴	مقدمه مؤلف
۱۶	بخش اول: آیات الهی در آفرینش
۱۶	فصل اول: آیات الهی و تنوع آن
۱۶	آیت چیست؟
۱۷	تنوع آیات و رابطه آن با درجات فهم افراد
۱۸	آیات جهان آفرینش و نظام آن
۱۹	تفکر، تعقل و تذکر در آیات الهی
۱۹	تنوع نظام آفرینش و تنوع آیات الهی
۲۱	فصل دوم: آیات الهی در شب و روز
۲۱	آیات الهی در اختلاف شب و روز
۲۲	اختلاف منظم در آیات شب و روز
۲۲	آیت خواب شبانه و فعالیت روزانه
۲۳	فصل سوم: آیات الهی در طبیعت و عوامل طبیعی
۲۳	آیات تحول در زمین

- ۲۳ ..... ارائه آیات الهی و نزول رزق از سماء
- ۲۴ ..... چه آیاتی در حرکت کشتی در دریا وجود دارد؟
- ۲۴ ..... چه آیاتی در حرکت باد و جریان هوا وجود دارد؟
- ۲۵ ..... قوانین پرواز به عنوان آیات الهی
- ۲۶ ..... دعوت به تفکر در قوانین پرواز
- ۲۶ ..... چه آیاتی در نزول باران وجود دارد؟
- ۲۷ ..... آیت اختلاف رنگ و زبان
- ۲۷ ..... آیت دگرگونی در رنگ‌های طبیعت
- ۲۸ ..... آیت قیام و ثبوت آسمان و زمین
- ۲۸ ..... فصل چهارم: آیات الهی در وجود انسان
- ۲۸ ..... آیات ربوبیت الهی در زمین و در انسان
- ۲۹ ..... آیت آفرینش انسان از خاک و مراتب تکون آن
- ۳۰ ..... چه آیاتی در آفرینش انسان و سایر جنیندگان و نظام آن وجود دارد؟
- ۳۰ ..... بخش دوم: نظام آفرینش جهان
- ۳۱ ..... فصل اول: نظام عمومی و نظام خصوصی
- ۳۱ ..... مکتب توحید و نظام آفرینش
- ۳۲ ..... آفریننده واحد نظام آفرینش
- ۳۲ ..... نظام عمومی آفرینش
- ۳۳ ..... تحول و دگرگونی در نظام‌ها
- ۳۴ ..... وحدت نظام انسان و نظام جهان
- ۳۵ ..... فصل دوم: نظام آفرینش و آفریننده جهان
- ۳۵ ..... نظام حق و چگونگی حق بودن الهی
- ۳۵ ..... مفهوم حق در خلقت
- ۳۵ ..... علم به کیفیت آفرینش و هدف در آن

- ۳۶ ..... وحدت در کثرت و کثرت خواص و آثار طبیعی
- ۳۷ ..... استناد خلقت اولیه و تداوم و بقای اشیاء به خدای تعالی
- ۳۸ ..... آفرینش و تدبیر آسمان‌ها و زمین و رابطه آن با ولایت و شفاعت الهی
- ۳۹ ..... بخش سوم: نظام ازواج
- ۳۹ ..... فصل اول: نظام ازواج در طبیعت
- ۳۹ ..... خلقت ازواج و نظام جاری در کل موجودات عالم
- ۴۰ ..... نحوه آفرینش آسمان و زمین و خلقت ازواج
- ۴۰ ..... توسعه آسمان و گسترش زمین و خلقت ازواج
- ۴۱ ..... حفاظ آسمان‌ها و زمین، انتشار جنبندگان و رویش ازواج
- ۴۲ ..... بنای آسمان و گسترش زمین و رویش ازواج و عوامل حیات
- ۴۳ ..... خلق ازواج و تأمین وسایل حمل و حرکت انسان
- ۴۳ ..... آیت رویش ازواج نیکو
- ۴۴ ..... نظام ازواج و تلقیح در گیاهان و تأثیر باران و نیروی ثقل در رویش گیاه
- ۴۴ ..... تکون ازواج مختلف میوه‌ها و ثمرات
- ۴۵ ..... اثر خاک در رشد گیاه و ازواج نبات
- ۴۵ ..... فصل دوم: نظام ازواج انسان
- ۴۵ ..... آفرینش زوج انسان و آرام دل او
- ۴۵ ..... نعمت آفرینش زوج برای انسان و تشکیل خانواده
- ۴۶ ..... آیت خلق زوج برای انسان و عوامل تولید رحمت و محبت
- ۴۷ ..... خلق زوج انسان و انزال ازواج چهارپایان و تکثیر آن‌ها
- ۴۸ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## نظام آفرینش از دیدگاه قرآن و حدیث (تفسیر موضوعی المیزان)

### مشخصات کتاب

سرشناسه: امین، سیدمهدی، ۱۳۱۶، -گردآورنده  
عنوان و نام پدیدآور: نظام آفرینش از دیدگاه قرآن و حدیث (تفسیر موضوعی المیزان) / به اهتمام سیدمهدی امین؛ با نظارت محمد بیستونی.

مشخصات نشر: قم: بیان جوان ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۱۴۹ ص ۱۱×۱۷س.م.

فروست: تفسیر علامه ج. [۵].

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۸-۱۲۹-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتاب حاضر بر اساس کتاب "المیزان فی تفسیرالقرآن" اثر سیدمحمدحسین طباطبائی است.

یادداشت: ویراست کتاب قبلی با عنوان "تفسیر علامه: خداشناسی و نظام آفرینش" توسط بیان جوان با فروست تفسیر موضوعی المیزان در سال ۱۳۸۹ (۶۸۰ ص.) منتشر شده است.

یادداشت: عنوان دیگر: نظام آفرینش.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: المیزان فی تفسیرالقرآن.

عنوان دیگر: نظام آفرینش.

عنوان دیگر: تفسیر علامه: خداشناسی و نظام آفرینش.

موضوع: تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴

موضوع: آفرینش -- جنبه‌های قرآنی

شناسه افزوده: بیستونی محمد، ۱۳۳۷، -ناظر

شناسه افزوده: طباطبائی محمدحسین ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰. المیزان فی تفسیرالقرآن

شناسه افزوده: تفسیر علامه ج. [۵].

رده بندی کنگره: BP۹۸/الف ۸۳ت ۷ ج ۵ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۷۹

شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۱۸۶۸۹

### فهرست مطالب

موضوع صفحه

تأییدیه آیه‌الله محمد یزدی رئیس شورایعالی مدیریت حوزه علمیه ●●● ۵

تأییدیه آیه‌الله مرتضی مقتدائی مدیریت حوزه علمیه قم ●●● ۶

تأییدیه آیه‌الله سید علی اصغر دستغیب نماینده خبرگان رهبری ●●● ۷



مقدمه ناشر ۸۰۰۰

مقدمه مؤلف ۱۲۰۰۰

بخش اول - آیات الهی در آفرینش

فصل اول - آیات الهی و تنوع آن ۱۹۰۰۰

(۱۷۲)

آیت چیست ۱۹۴۰۰۰

تنوع آیات و رابطه آن با درجات فهم افراد ۲۱۰۰۰

آیات جهان آفرینش و نظام آن ۲۵۰۰۰

تفکر، تعقل و تذکر در آیات الهی ۲۸۰۰۰

(۱۷۳)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

تنوع نظام آفرینش و تنوع آیات الهی ۳۱۰۰۰

فصل دوم - آیات الهی در شب و روز ۳۷۰۰۰

آیات الهی در اختلاف شب و روز ۳۷۰۰۰

اختلاف منظم در آیات شب و روز ۴۰۰۰۰

آیت خواب شبانه و فعالیت روزانه ۴۲۰۰۰

فصل سوم - آیات الهی در طبیعت و عوامل طبیعی ۴۵۰۰۰

آیات تحول در زمین ۴۵۰۰۰

ارائه آیات الهی و نزول رزق از سماء ۴۶۰۰۰

(۱۷۴)

چه آیاتی در حرکت کشتی در دریا وجود دارد ۴۸۴۰۰۰

چه آیاتی در حرکت باد و جریان هوا وجود دارد ۴۹۴۰۰۰

(۱۷۵)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

قوانین پرواز به عنوان آیات الهی ۵۰۰۰۰

دعوت به تفکر در قوانین پرواز ۵۴۰۰۰

چه آیاتی در نزول باران وجود دارد ۵۶۴۰۰۰

آیت اختلاف رنگ و زبان ۵۷۰۰۰

آیت دگرگونی در رنگ‌های طبیعت ۵۹۰۰۰

آیت قیام و ثبوت آسمان و زمین ۶۰۰۰۰

فصل چهارم - آیات الهی در وجود انسان ۶۳۰۰۰

آیات ربوبیت الهی در زمین و در انسان ۶۳۰۰۰

(۱۷۶)

آیت آفرینش انسان از خاک و مراتب تکون آن ۶۷۰۰۰

(۱۷۷)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

چه آیاتی در آفرینش انسان و سایر جنبندگان و نظام آن وجود دارد ۶۹۴۰۰۰

بخش دوم - نظام آفرینش جهان

فصل اول - نظام عمومی و نظام خصوصی ۷۳۰۰۰

مکتب توحید و نظام آفرینش ۷۳۰۰۰

آفریننده واحد نظام آفرینش ۷۶۰۰۰

نظام عمومی آفرینش ۷۸۰۰۰

نظام‌های خصوصی در اجرام و در ذرات ۸۰۰۰۰

تحول و دگرگونی در نظام‌ها ۸۲۰۰۰

(۱۷۸)

وحدت و هماهنگی در نظام آفرینش ۸۳۰۰۰

(۱۷۹)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

وحدت نظام انسان و نظام جهان ۸۵۰۰۰

فصل دوم - نظام آفرینش و آفریننده جهان ۸۹۰۰۰

نظام حق و چگونگی حق بودن الهی ۸۹۰۰۰

مفهوم حق در خلقت ۹۱۰۰۰

علم به کیفیت آفرینش و هدف در آن ۹۲۰۰۰

وحدت در کثرت و کثرت خواص و آثار طبیعی ۹۴۰۰۰

استناد خلقت اولیه و تداوم و بقای اشیاء به خدای تعالی ۹۷۰۰۰

آفرینش و تدبیر آسمان‌ها و زمین و رابطه آن با ولایت و شفاعت الهی ۱۰۱۰۰۰

(۱۸۰)

(۱۸۱)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

بخش سوم - نظام ازواج

فصل اول - نظام ازواج در طبیعت ۱۰۹۰۰۰

- خلقت ازواج و نظام جاری در کل موجودات عالم ۱۰۹۰۰۰۰  
 نحوه آفرینش آسمان و زمین و خلقت ازواج ۱۱۱۰۰۰۰  
 توسعه آسمان و گسترش زمین و خلقت ازواج ۱۱۳۰۰۰۰  
 حفاظ آسمان‌ها و زمین، انتشار جنبندگان و رویش ازواج ۱۱۵۰۰۰۰  
 بنای آسمان و گسترش زمین و رویش ازواج و عوامل حیات ۱۱۷۰۰۰۰  
 خلق ازواج و تأمین وسایل حمل و حرکت انسان ۱۲۰۰۰۰۰  
 (۱۸۲)

آیت رویش ازواج نیکو ۱۲۲۰۰۰۰

(۱۸۳)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

- نظام ازواج و تلقیح در گیاهان و تأثیر باران و نیروی ثقل در رویش گیاه ۱۲۴۰۰۰۰  
 تکون ازواج مختلف میوه‌ها و ثمرات ۱۲۶۰۰۰۰  
 اثر خاک در رشد گیاه و ازواج نبات ۱۲۷۰۰۰۰  
 فصل دوم - ازواج انسان ۱۲۹۰۰۰۰  
 آفرینش زوج انسان و آرام دل او ۱۲۹۰۰۰۰  
 نعمت آفرینش زوج برای انسان و تشکیل خانواده ۱۳۰۰۰۰۰  
 آیت خلق زوج برای انسان و عوامل تولید رحمت و محبت ۱۳۲۰۰۰۰  
 خلق زوج انسان و انزال ازواج چهارپایان و تکثیر آن‌ها ۱۳۷۰۰۰۰  
 (۱۸۴)

### تقدیم به

إِلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ  
 رَسُولِ اللَّهِ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ إِلَى مَوْلَانَا  
 وَ مَوْلَى الْمُؤَحِّدِينَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى بَضْعِهِ  
 الْمُصْطَفَى وَ بِهِجِهِ قَلْبِهِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ إِلَى سَيِّدَتِي  
 شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّبْطَيْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ إِلَى الْأَئِمَّةِ الشَّعْبَةِ  
 الْمُعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ لِاسِيْمَا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَ وَارِثِ عُلُومِ  
 الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ، الْمَعْدِّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ وَ الْمُدْخِرِ لِأَحْيَاءِ الْفَرَانِضِ وَ مَعَالِمِ الدِّينِ ،  
 الْحُجَّجَةِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمَانِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرْجَهُ الشَّرِيفَ فَيَا مُعَزَّ  
 الْأَوْلِيَاءِ وَيَا مُدِلَّ الْأَعْدَاءِ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ قَدْ مَسَّنَا  
 وَ أَهْلَنَا الضَّرَّ فِي غَيْبَتِكَ وَ فِرَاقِكَ وَ جِنْنَا بِبِضَاعِهِ

(۴)

مُزْجَاهٍ مِنْ وِلَايَتِكَ وَ مَحَبَّتِكَ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ مِنْ مَنَّكَ وَ  
فَضْلِكَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا بِنَظَرِهِ رَحْمَةً مِنْكَ  
إِنَّا نَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

### متن تأییدیه حضرت آیه‌الله محمد یزدی

رئیس دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری و رئیس شورایی عالی مدیریت حوزه علمیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قرآن کریم این بزرگ‌ترین هدیه آسمانی و عالی‌ترین چراغ هدایت که خداوند عالم به وسیله آخرین پیامبرش برای بشریت فر فرستاده است؛ همواره انسان‌ها را دستگیری و راهنمایی نموده و می‌نماید. این انسان‌ها هستند که به هر مقدار بیشتر با این نور و رحمت ارتباط برقرار کنند بیشتر بهره می‌گیرند. ارتباط انسان‌ها با قرآن کریم با خواندن، اندیشیدن،

(۵)

فهمیدن، شناختن اهداف آن شکل می‌گیرد. تلاوت، تفکر، دریافت و عمل انسان‌ها به دستورالعمل‌های آن، سطوح مختلف دارد. کارهایی که برای تسهیل و روان و آسان کردن این ارتباط انجام می‌گیرد هر کدام به نوبه خود ارزشمند است. کارهای گوناگونی که دانشمند محترم جناب آقای دکتر بیستونی برای نسل جوان در جهت این خدمت بزرگ و امکان ارتباط بهتر نسل جوان با قرآن انجام داده‌اند؛ همگی قابل تقدیر و تشکر و احترام است. به علاقه‌مندان بخصوص جوانان توصیه می‌کنم که از این آثار بهره‌مند شوند. توفیقات بیش از پیش ایشان را از خداوند متعال خواهانم.

محمد یزدی

رئیس دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری ۱/۲/۱۳۸۸

### متن تأییدیه حضرت آیه‌الله مرتضی مقتدایی

(۶)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

توفیق نصیب گردید از مؤسسه قرآنی تفسیر جوان بازدید داشته باشم و مواجه شدم با یک باغستان گسترده پر گل و متنوع که به‌طور یقین از معجزات قرآن است که این ابتکارات و روش‌های نو و جالب را به ذهن یک نفر که باید مورد عنایت ویژه قرار گرفته باشد القاء نماید تا بتواند در سطح گسترده کودکان و جوانان و نوجوانان و غیرهم را با قرآن مجید مأنوس به‌طوری که مفاهیم بلند و باارزش قرآن در وجود آنها نقش بسته و روش آنها را الهی و قرآنی نماید و آن برادر بزرگوار جناب آقای دکتر محمد بیستونی است که این توفیق نصیب ایشان گردیده و ذخیره عظیم و باقیات الصالحات جاری برای آخرت ایشان هست. به امید این که همه اقدامات با خلوص قرین و مورد توجه ویژه حضرت بقیت‌الله‌الاعظم ارواحنا فداه باشد.

(۷)

مرتضی مقتدایی

به تاریخ یوم شنبه پنجم ماه مبارک رمضان المبارک ۱۴۲۷

(۸)

## متن تأییدیه حضرت آیه‌الله سیدعلی اصغر دستغیب نماینده محترم خبرگان رهبری در استان فارس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (۸۹ / نحل)

تفسیر المیزان گنجینه گرانبھائی است که به مقتضای این کریمه قرآنی حاوی جمیع موضوعات و عناوین مطرح در زندگی انسان‌ها می‌باشد. تنظیم موضوعی این مجموعه نفیس اولاً موجب آن است که هر کس عنوان و موضوع مدنظر خویش را به سادگی پیدا کند و ثانیاً زمینه مناسبی در راستای تحقیقات موضوعی برای پژوهشگران و اندیشمندان جوان حوزه و دانشگاه خواهد بود. این توفیق نیز در ادامه برنامه‌های مؤسسه قرآنی تفسیر جوان در تنظیم و نشر آثار

(۹)

قرآنی مفسرین بزرگ و نامی در طول تاریخ اسلام، نصیب برادر ارزشمندم جناب آقای دکتر محمد بیستونی و گروهی از همکاران قرآن‌پژوه ایشان گردیده است. امیدوارم همچنان از توفیقات و تأییدات الهی برخوردار باشند.

سیدعلی اصغر دستغیب  
 ۲۸/۹/۸۶

(۱۰)

### مقدمه ناشر

براساس پژوهشی که در مؤسسه قرآنی تفسیر جوان انجام شده، از صدر اسلام تاکنون حدود ۱۰/۰۰۰ نوع تفسیر قرآن کریم منتشر گردیده است که بیش از ۹۰٪ آنها به دلیل پرحجم بودن صفحات، عدم اعرابگذاری کامل آیات و روایات و کلمات عربی، نثر و نگارش تخصصی و پیچیده، قطع بزرگ کتاب و... صرفاً برای «متخصصین و علاقمندان حرفه‌ای» کاربرد داشته و افراد عادی جامعه به ویژه «جوانان عزیز» آنچنان که شایسته است نمی‌توانند از این قبیل تفاسیر به راحتی استفاده کنند.

مؤسسه قرآنی تفسیر جوان ۱۵ سال برای ساده‌سازی و ارائه تفسیر موضوعی و کاربردی در کنار تفسیر ترتیبی تلاش‌های گسترده‌ای را آغاز نموده است که چاپ و انتشار تفسیر جوان (خلاصه ۳۰ جلدی تفسیر نمونه، قطع جیبی) و تفسیر نوجوان (۳۰ جلدی، قطع جیبی)

جیبی

(۱۱)

کوچک) و بیش از یکصد تفسیر موضوعی دیگر نظیر باستان‌شناسی قرآن کریم، رنگ‌شناسی، شیطان‌شناسی، هنرهای دستی، ملکه گمشده و شیطانی همراه، موسیقی، تفاسیر گرافیکی و... بخشی از خروجی‌های منتشر شده در همین راستا می‌باشد.

کتابی که ما و شما اکنون در محضر نورانی آن هستیم حاصل تلاش ۳۰ ساله «استادارجمند جناب آقای سیدمهدی امین» می‌باشد. ایشان تمامی مجلدات تفسیر المیزان را به دقت مطالعه کرده و پس از فیش برداری، مطالب را «بدون هیچ گونه دخل و تصرف در متن تفسیر» در هفتاد عنوان موضوعی تفکیک و برای نخستین بار «مجموعه ۷۰ جلدی تفسیر موضوعی المیزان» را تدوین نموده که هم به صورت تک موضوعی و هم به شکل دوره‌ای برای جوانان عزیز قابل استفاده کاربردی است.

«تفسیر المیزان» به گفته شهید آیه‌الله مطهری (ره) «بهترین تفسیری است که در میان

(۱۲) نظام آفرینش

شیعه و سنی از صدر اسلام تا امروز نوشته شده است». «المیزان» یکی از بزرگ‌ترین آثار علمی علامه طباطبائی (ره)، و از مهم‌ترین

تفاسیر جهان اسلام و به حق در نوع خود کم‌نظیر و مایه مباهات و افتخار شیعه است. پس از تفسیر تبیان شیخ طوسی (م ۴۶۰ ه) و مجمع‌البیان شیخ طبرسی (م ۵۴۸ ه) بزرگ‌ترین و جامع‌ترین تفسیر شیعی و از نظر قوت علمی و مطلوبیت روش تفسیری، بی‌نظیر است. ویژگی مهم این تفسیر به کارگیری تفسیر قرآن به قرآن و روش عقلی و استدلالی است. این روش در کار مفسر تنها در کنار هم گذاشتن آیات برای درک معنای واژه خلاصه نمی‌شود، بلکه موضوعات مشابه و مشترک در سوره‌های مختلف را کنار یکدیگر قرار می‌دهد، تحلیل و مقایسه می‌کند و برای درک پیام آیه به شیوه تدبیری و اجتهادی توسل می‌جوید. یکی از ابعاد چشمگیر المیزان، جامعه‌گرایی تفسیر است. بی‌گمان این خصیصه از مقدمه ناشر (۱۳)

اندیشه و گرایش‌های اجتماعی علامه طباطبائی (ره) برخاسته است و لذا به مباحثی چون حکومت، آزادی، عدالت اجتماعی، نظم اجتماعی، مشکلات امت اسلامی، علل عقب ماندگی مسلمانان، حقوق زن و پاسخ به شبهات مارکسیسم و ده‌ها موضوع روز، روی آورده و به طور عمیق مورد بحث و بررسی قرار داده است.

شیوه مرحوم علامه به این شرح است که در آغاز، چند آیه از یک سوره را می‌آورد و آیه، نکات لغوی و بیانی آنرا شرح می‌دهد و پس از آن، تحت عنوان بیان آیات که شامل مباحث موضوعی است به تشریح آن می‌پردازد.

ولی متأسفانه قدر و ارزش این تفسیر در میان نسل جوان ناشناخته مانده است و بنده در جلسات فراوانی که با دانشجویان یا دانش‌آموزان داشته‌ام همواره نیاز فراوان آنها را به این تفسیر دریافته‌ام و به همین دلیل نسبت به همکاری با جناب آقای (۱۴) نظام آفرینش

سید مهدی امین اقدام نموده‌ام.

امیدوارم این قبیل تلاش‌های قرآنی ما و شما برای روزی ذخیره شود که به جز اعمال و نیات خالصانه، هیچ چیز دیگری کارساز نخواهد بود.

دکتر محمد بیستونی

رئیس مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

تهران - تابستان ۱۳۸۸

مقدمه ناشر (۱۵)

### مقدمه مؤلف

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ

فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ

لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ

این قرآنی است کریم

در کتابی مکنون

که جز دست پاکان و فهم خاصان بدان نرسد!

(۷۷ - ۷۹ / واقعه)

این کتاب به منزله یک «کتاب مرجع» یا فرهنگ معارف قرآن است که از «تفسیر المیزان» انتخاب و تلخیص، و بر حسب موضوع طبقه‌بندی شده است.

(۱۶)

در تقسیم‌بندی به عمل آمده از موضوعات قرآن کریم قریب ۷۰ عنوان مستقل به دست آمد. هر یک از این موضوعات اصلی، عنوان مستقلی برای تهیه یک کتاب در نظر گرفته شد. هر کتاب در داخل خود به چندین فصل یا عنوان فرعی تقسیم گردید. هر فصل نیز به سرفصل‌هایی تقسیم شد. در این سرفصل‌ها آیات و مفاهیم قرآنی از متن تفسیر المیزان انتخاب و پس از تلخیص، به روال منطقی، طبقه‌بندی و درج گردید، به طوری که خواننده جوان و محقق ما با مطالعه این مطالب کوتاه وارد جهان شگفت‌انگیز آیات و معارف قرآن عظیم گردد. در پایان کار، مجموع این معارف به قریب ۵ هزار عنوان یا سرفصل بالغ گردید.

از لحاظ زمانی: کار انتخاب مطالب و فیش‌برداری و تلخیص و نگارش، از

مقدمه مؤلف (۱۷)

اواخر سال ۱۳۵۷ شروع و حدود ۳۰ سال دوام داشته، و با توفیق الهی در لیالی مبارکه قدر سال ۱۳۸۵ پایان پذیرفته و آماده چاپ و نشر گردیده است.

هدف از تهیه این مجموعه و نوع طبقه‌بندی مطالب در آن، تسهیل مراجعه به شرح و تفسیر آیات و معارف قرآن شریف، از جانب علاقمندان علوم قرآنی، مخصوصاً محققین جوان است که بتوانند اطلاعات خود را از طریق بیان مفسری بزرگ چون علامه فقید آیه الله طباطبایی دریافت کنند، و برای هر سؤال پاسخی مشخص و روشن داشته باشند.

سال‌های طولانی، مطالب متعدد و متنوع درباره مفاهیم قرآن شریف می‌آموختیم اما وقتی در مقابل یک سؤال درباره معارف و شرایع دین مان قرار می‌گرفتیم، یک جواب مدون و مشخص نداشتیم بلکه به اندازه مطالب متعدد و متنوعی که شنیده بودیم باید

(۱۸) نظام آفرینش

جواب می‌دادیم. زمانی که تفسیر المیزان علامه طباطبایی، قدس الله سره الشریف، ترجمه شد و در دسترس جامعه مسلمان ایرانی قرار گرفت، این مشکل حل شد و جوابی را که لازم بود می‌توانستیم از متن خود قرآن، با تفسیر روشن و قابل اعتماد فردی که به اسرار مکنون دست یافته بود، بدهیم. اما آنچه مشکل می‌نمود گشتن و پیدا کردن آن جواب از لابلای چهل (یا بیست) جلد ترجمه فارسی این تفسیر گرانمایه بود. لذا این ضرورت احساس شد که مطالب به صورت موضوعی طبقه‌بندی و خلاصه شود و در قالب یک دائرةالمعارف در دسترس همه دین‌دوستان قرار گیرد. این همان انگیزه‌ای بود که موجب تهیه این مجلدات گردید.

بدیهی است این مجلدات شامل تمامی جزئیات سوره‌ها و آیات الهی قرآن نمی‌شود، بلکه سعی شده مطالبی انتخاب شود که در تفسیر آیات و مفاهیم قرآنی، علامه بزرگوار

مقدمه مؤلف (۱۹)

به شرح و بسط و تفهیم مطلب پرداخته است.

اصول این مطالب با توضیح و تفصیل در «تفسیر المیزان» موجود است که خواننده می‌تواند برای پی‌گیری آن‌ها به خود المیزان مراجعه نماید. برای این منظور مستند هر مطلب با ذکر شماره مجلد و شماره صفحه مربوطه و آیه مورد استناد در هر مطلب قید گردیده است.

ذکر این نکته لازم است که چون ترجمه تفسیر المیزان به صورت دو مجموعه ۲۰ جلدی و ۴۰ جلدی منتشر شده بهتر است در صورت نیاز به مراجعه به ترجمه المیزان، بر اساس ترتیب عددی آیات قرآن به سراغ جلد مورد نظر خود، صرف نظر از تعداد مجلدات بروید.

و مقدر بود که کار نشر چنین مجموعه آسمانی در مؤسسه‌ای انجام گیرد که با هدف نشر معارف قرآن شریف، به صورت تفسیر، مختص نسل جوان،

(۲۰) نظام آفرینش

تأسیس شده باشد، و استاد مسلم، جناب آقای دکتر محمد بیستونی، اصلاح و تنقیح و نظارت همه‌جانبه بر این مجموعه قرآنی شریف را به عهده گیرد.

مؤسسه قرآنی تفسیر جوان با ابتکار و سلیقه نوین، و به منظور تسهیل در رساندن پیام آسمانی قرآن مجید به نسل جوان، مطالب قرآنی را به صورت کتاب‌هایی در قطع جیبی منتشر می‌کند. این ابتکار در نشر همین مجلدات نیز به کار رفته، تا مطالعه آن در هر شرایط زمانی و مکانی، برای جوانان مشتاق فرهنگ الهی قرآن شریف، ساده و آسان گردد...

و ما همه بندگان هستیم هر یک حامل وظیفه تعیین شده از جانب دوست، و آنچه انجام شده و می‌شود، همه از جانب اوست! و صلوات خدا بر محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله و خاندان جلیلش باد که نخستین حاملان این

مقدمه مؤلف (۲۱)

وظیفه الهی بودند، و بر علامه فقید آیه‌الله طباطبایی و اجداد او، و بر همه وظیفه‌داران این مجموعه شریف و آباء و اجدادشان باد، که مسلمان شایسته‌ای بودند و ما را نیز در مسیر شناخت اسلام واقعی پرورش دادند!

لیله قدر سال ۱۳۸۵

سید مهدی حبیبی امین

نظام آفرینش (۲۲)

## بخش اول: آیات الهی در آفرینش

### فصل اول: آیات الهی و تنوع آن

#### آیت چیست؟

(۲۳)

(۲۴) نظام آفرینش

(۲۵)

«تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ...!» (۶/جائیه)

کلمه «آیات» جمع آیه است و به معنای علامت‌های دارای دلالت است. پس آیات کونیه خدا عبارت است از امور کونیه‌ای که با وجود خارجی خود دلالت می‌کند بر

(۲۶)

این که خدای تعالی در خلقت عالم یگانه است و شریکی در این کار ندارد و متصف است به صفات کمالیه و منزّه است از هر نقص و حاجت.

ایمان به این آیات معنایش ایمان داشتن به دلالت آن‌ها بر هستی خداست، که لازمه داشتن چنین ایمانی، ایمان داشتن به خدا بر طبق دلالت این ادله است، نه خدایی که این ادله بر آن دلالت نکند.

آیات قرآن کریم نیز از این جهت آیات نامیده شده‌اند که بیانگر آیات تکوینی هستند، آیات تکوینی‌ای که گفتیم بر هستی و صفات خدا دلالت دارند و یا از این جهت آیات نامیده شده‌اند که بیانگر معارف اعتقادی و یا احکام عملی و یا احکام اخلاقی می‌باشند، احکامی که خدا آن را می‌پسندد و بدان امر می‌کند و از بندگانش می‌خواهد که به آن‌ها عمل کنند، چون مضامین آن آیات بر آن احکام دلالت دارد که از ناحیه خدا نازل شده



مقدمه ناشر (۲۷)

است و ایمان به این آیات ایمان به دلالت آن‌ها بر خدای تعالی است، که قهرا ملازم با ایمان به مدلول آن‌ها نیز هست. معجزات را نیز از این رو آیات می‌نامند که اگر از قبیل مرده زنده کردن و امثال آن باشد، آیات کونیه است و همان دلالت کونیه را دارد و اگر از قبیل پیشگویی‌ها و یا خود قرآن کریم باشد، که برگشت دلالت آن‌ها نیز به دلالت آیات کونیه خواهد بود، چون با هستی خود دلالت می‌کند بر هستی خدای تعالی و صفات او. (۱)

### تنوع آیات و رابطه آن با درجات فهم افراد

۱- المیزان ج ۳۵، ص ۲۵۹.

(۲۸) نظام آفرینش

«... لَأَيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ ... آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ... آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ!»

(۳ تا ۵ / جاثیه)

- به درستی که در آسمان‌ها و زمین آیت‌هاست برای مردم با ایمان.

- و نیز در خلقت خودتان و جنبندگان که همواره منتشر می‌کند، آیت‌هاست برای مردمی که اهل یقین باشند.

- و نیز در اختلاف شب و روز و رزقی که از آسمان نازل می‌کند و... آیت‌هاست برای مردمی که تعقل می‌کنند.

در این آیات می‌بینیم هر دسته از آن‌ها به قومی اختصاص داده شده:

تنوع آیات و رابطه آن با درجات فهم افراد (۲۹)

یک دسته به مؤمنین، یک دسته به قومی که اهل یقینند، دسته دیگر به قومی که تعقل می‌کنند.

۱ - شاید وجهش این باشد که آیت احیای زندگانی به دلالتی ساده و همه کس فهم دلالت می‌کند بر این که خودش خود را ایجاد نکرده و به طور اتفاق و تصادفی هم پیدا نشده، بلکه آن را پدید آورنده‌ای ایجاد کرده و به دنبالش آثار و افعال آن‌ها را پدید آورده، آثار و افعالی که این نظام مشهود از آن آثار پدید آمده است. پس خالق آسمان‌ها، خالق همه عالم و رب همه است. و انسان این معنی را با فهم ساده خود می‌فهمد و انسان‌های با ایمان هم همین را می‌فهمند و از آن منتفع می‌شوند.

۲ - ولی این معنا را که خالق انسان و سایر جنبندگان دارای حیات و شعور، خداست، از این جهت که ارواح و نفوس موجودات زنده با شعور از عالمی ورای

(۳۰) نظام آفرینش

عالم ماده است، که نامش را عالم ملکوت می‌گذاریم، قرآن کریم کمال ادراک و مشاهده این معنا را به اهل یقین مختص دانسته، نه به عموم مردم و فهم‌های ساده آن‌ها. ۳ - و اما آیت اختلاف لیل و نهار و باران‌هایی که زمین را زنده می‌کند و چرخاندن بادها از آن‌جا که انواع مختلف و جهات متعدد دارد و مرتبط با زمین و زمینی‌هاست و فواید بی‌شمار و منافعی دامنه‌دار و بسیار است، که درک همه آن‌ها محتاج به تعقل فکری و تفضیلی و عمیق است و فهم ساده عموم از درک آن عاجز است، لذا درک آن را به قومی که تعقل کنند اختصاص داد، گو این که آیات نامبرده برای همه آیتند لکن از آن‌جا که تنها دانشمندان و صاحبان تعقل از آن‌ها بهره‌مند می‌شوند، بدین جهت آیات را به ایشان اختصاص داد.

در این میان می‌بینیم که از این طبقه گاهی تعبیر فرموده به قومی که (يُوقِنُونَ - یقین

تنوع آیات و رابطه آن با درجات فهم افراد (۳۱)

پیدا می‌کنند، و گاهی به قومی که (يَعْقِلُونَ - تعقل می‌کنند) و از تعبد مردم که با فهم ساده خود پی به حقیقت می‌برند، تعبیر

فرمود به مؤمنین.

از این اختلاف تعبیر فهمیده می‌شود که مراد به ایمان اصل آن است، که آیاتش ساده و بسیط است و چون به دست آمدنش تدریجی نیست، از دارندگان آن تعبیر به وصف کرد به خلاف ایمان اهل یقین و عقل، که به خاطر دقت آیات آن و بلندی افق آن‌ها و به خاطر این که خرده خرده و به تدریج به دست می‌آید، از دارندگانش تعبیر به مضارع (يَعْلَمُونَ یا يُوقِنُونَ) کرد که دلالت بر استمرار تجدیدی دارد. (۱)

۱- المیزان ج ۳۵، ص ۲۵۶.

(۳۲) نظام آفرینش

## آیات جهان آفرینش و نظام آن

«إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ!» (۳ / جاثیه)

مراد از این که فرمود - در آسمان‌ها و زمین علامت‌ها (آیات) هست، این است که اصلاً آسمان و زمین آیت‌ها هستند که بر هستی پدید آورنده خود دلالت می‌کنند، نه این که آیت‌ها چیز دیگری باشند و در ظرف آسمان‌ها و زمین قرار داشته باشند. دلیل گفتار ما این است که تعبیرات قرآن کریم از این معنا مختلف است. گاهی می‌فرماید: فلان چیز آیت است. و گاهی می‌فرماید: در فلان چیز آیت هست. و گاهی هم می‌فرماید: در خلقت فلان چیز آیت هست. آیات جهان آفرینش و نظام آن (۳۳)

- به درستی که در خلقت آسمان‌ها و زمین و اختلاف شب و روز آیت‌هاست. در آیه مورد بحث آیت را در خود آسمان‌ها و زمین دانسته، نه در خلقت آن‌ها. یک جا هم فرموده:  
- و یکی از آیات او آفرینش آسمان‌ها و زمین است.

نظایر این اختلاف تعبیر بسیار است. از همین اختلاف استفاده می‌شود، معنای این که چیزی باشد که در آن آیت باشد، این است که خود آن چیز آیت باشد.

همچنان که از اختلاف تعبیر دیگری که در آیات بالا بود و در یکی می‌فرمود: «در آسمان‌ها و زمین» و در دیگری می‌فرمود: «در خلقت آسمان‌ها و زمین» استفاده می‌شود مراد از خلقت آسمان‌ها و زمین خود آسمان‌ها و زمین است، نه چیز دیگر.

حال باید دید چرا آسمان‌ها و زمین را ظرف آیت دانسته، با این که خودش آیت

(۳۴) نظام آفرینش

است؟ در پاسخ می‌گوییم: این بدان عنایت است که بفهماند جهات وجود آسمان‌ها و زمین مختلف است و هر جهت از جهات آن‌ها خود آیتی است از آیات و اگر خود آسمان‌ها و زمین در نظر گرفته می‌شد، چاره‌ای جز این نبود که همه آن‌ها را یک آیت بگیریم، در حالی که می‌بینیم مثلاً زمین به تنهایی را آیت‌ها شمرده و فرموده: «وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ» - در زمین آیت‌ها هست برای اهل یقین. و اگر خود زمین در نظر گرفته می‌شد باید می‌فرمود: زمین آیتی است برای اهل یقین. و آن وقت منظور فوت می‌شد و دیگر نمی‌فهمانید که در هستی زمین جهاتی است که هر یک از آن جهات به تنهایی آیتی است مستقل.

پس معنای این که فرمود: «إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ...» این است که برای وجود آسمان‌ها و زمین جهاتی است که هر جهتش دلالت دارد بر این که آفریدگار و مدبرش

آیات جهان آفرینش و نظام آن (۳۵)

تنها خداست و شریکی برای او نیست.

برای این که آسمان‌ها و زمین با حاجت ذاتی‌اش به پدید آورنده و با عظمت خلقتش و بی‌نظیر بودن ترکیبش و اتصالی که در وجود اجزای بی‌شمار و هول‌انگیز آن به یکدیگر است و ارتباط و اندراجی که نظام‌های جزئی و مخصوص به یک یک موجودات تحت نظام عمومی و کلی حاکم بر کل عالم دارد، همه دلالت دارد بر این که خالق یکتا دارد و همان خالق یکتا مدبر آن است. اگر برای این عالم پدید آورنده‌ای نبود، پدید نمی‌آمد. و اگر مدبرش یکتا نبود، نظام‌های جزئی آن با یکدیگر متناقض می‌شد و تدبیر مختلف می‌گشت. (۱)

۱- المیزان ج ۳۵، ص ۲۵۲.

(۳۶) نظام آفرینش

### تفکر، تعقل و تذکر در آیات الهی

«إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ... إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ... إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ!» (۱۱ تا ۱۲/نحل)

این سه قسم احتجاج است که یکی به مردم متفکر و یکی به اشخاص متعقل و سومی به افراد متذکر نسبت داده شده است. و جهتش این است که حجت اول در آیه (اوست که از آسمان آبی نازل کرده که نوشیدنی شماست و از آن... که در این برای تفکر، تعقل و تذکر در آیات الهی (۳۷)

گروهی که اندیشه کنند عبرت‌هاست، از مقدمات ساده‌ای ترکیب یافته که در استفاده و نتیجه گرفتن از آن صرف تفکر کافی است، ولی دومی مرکب از مقدمات علمی است که فهم آن جز برای اندیشمندانی که از اوضاع اجرام آسمانی و اسرار زمینی با خبرند، میسر نیست و تنها کسی از آن حجت نتیجه می‌گیرد که حرکات و انتقالات اجرام آسمانی و آثار آن حرکات را می‌داند:

(شب و روز را به خدمت شما گذاشت و خورشید و ماه و ستارگان به فرمان وی به خدمت درند، که در این برای گروهی که تعقل کنند، عبرت‌هاست.)

سومی هم مرکب از مقدماتی کلی و فلسفی است که تنها کسانی از آن می‌توانند نتیجه را گرفته، با آن وحدانیت خدا را در ربوبیت اثبات کنند که متذکر احکام کلی وجود باشند. مثلاً بدانند که عالمی که همواره در دگرگونی است لابد و ناچار احتیاج (۳۸) نظام آفرینش

به ماده دارد و بدانند تمامی مواد آن به یک ماده عمومی و متشابه منتهی می‌گردد، و بدانند که واجب است، تمامی اختلافاتی که در مواد هست باید منتهی به غیر ماده شود، عامل دیگری لازم است که این ماده عمومی را به هزاران صورت در آورد: (و نیز آنچه برایتان در زمین آفریده و رنگ‌های آن مختلف است که در این برای گروهی که اندرز پذیرند، عبرت‌هاست.) (۱)

۱- المیزان ج ۱۴، ص ۱۲۷.

تفکر، تعقل و تذکر در آیات الهی (۳۹)

### تنوع نظام آفرینش و تنوع آیات الهی

«إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ!» (۹۵ تا ۹۹ / انعام)

- این خدای سبحان است که دانه‌های نبات و هسته را می‌شکافد و از آن دو، گیاه و درخت می‌رویاند و مردم را با دانه‌ها و میوه‌های آن‌ها روزی می‌دهد. اوست که زنده را از مرده و مرده را از زنده خارج می‌سازد: ذَلِكَمُ اللَّهُ فَالِقُ تُوْفُكُونَ!

- «فَالِقُ الْأَصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا!»

## (۴۰) نظام آفرینش

چون در شکافتن صبح و موقع استراحت قرار دادن شب و هم‌چنین حرکت ماه و خورشید را باعث پدید آمدن شب و روز و ماه و سال قرار دادن، تقدیر عجیبی به کار رفته و در نتیجه این تقدیر، انتظام نظام معاش انسان و مرتب شدن زندگی او شده است، لذا در ذیل آیه فرمود: ذَلِكُمْ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ! و فهمانید که خدای تعالی آن عزیز مقتدری است که هیچ قدرتی بر قدرت او غالب نیامده و نمی‌تواند کوچکترین اثری در تباہ ساختن تدبیر او داشته باشد. و نیز خدای تعالی آن دانایی است که به کوچکترین چیزی از مصالح مملکت خود جاهل نیست.

«وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ...» - اوست که ستارگان را برای شما پدید کرد، تا بدان در ظلمات خشکی و دریا راه یابید... .

«قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ!»

تنوع نظام آفرینش و تنوع آیات الهی (۴۱)

- مراد از تفصیل آیات، یا تفصیل به حسب تکوین و خلقت است و یا تفصیل به حسب بیان لفظی است. و این که غایت و نتیجه خلقت و به گردش در آوردن اجرام آسمانی را در تحت جاذبه عمومی، مصالح انسان و سعادت زندگی‌اش در نشئه دنیا قرار داده، با این که خلقت یک یک آن‌ها مستقلاً مراد از اراده الهیه باشد، منافی نیست، چون جهات قضیه مختلف است و تحقق بعضی از جهات منافات با تحقق جهات دیگر ندارد و ارتباط و اتصالی که در سرتاسر اجزای عالم است، مانع از این نیست که یک یک اجزاء به اراده مستقل به وجود آمده باشند.

«وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ!»

ظاهراً مراد از این که فرمود: «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ»، این است که نسل حاضر بشر با همه انتشار و کثرتی که دارد، منتهی به یک نفر است و آن آدم است که قرآن کریم او را مبدأ نسل بشر فعلی دانسته است.

## (۴۲) نظام آفرینش

مراد به مستقر، آن افرادی است که دوران سیر در اصلاّب را طی کرده و متولد شده و در زمین به مقتضای آیه «وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ» - زمین قرارگاه نوع بشر است، مستقر گشته است. مراد به مستودع، آن افرادی است که هنوز سیر در اصلاّب را تمام نکرده و به دنیا نیامده و بعداً متولد خواهند شد.

معنای آیه شریفه این است که - پروردگار متعال آن کسی است که شما نوع بشر را از یک فرد ایجاد کرده و زمین را تا مدت معینی به دست شما آباد نموده است و این زمین تا زمانی که شما نسل بشر منقرض نشده‌اید، مشغول به شما و در دست شماست. و پیوسته بعضی از شما افراد بشر مستقر در آن و بعضی دیگر مستودع در اصلاّب و ارحام و در حال به وجود آمدن در آنند.

تنوع نظام آفرینش و تنوع آیات الهی (۴۳)

«وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ!»

مراد این است که ما به وسیله آبی که از آسمان می‌فرستیم گیاهان را می‌رویانیم و آن قوه نموی که در روئیدنی‌هاست به ظهور در آورده و گیاهان و درختان و آدمیان و سایر انواع حیوانات را نمو می‌دهیم.

خدای تعالی در این آیه شریفه چند فقره از چیزهایی را که به دست قدرت خود آفریده، خاطر نشان ساخته تا آنان که دارای عقل و بصیرتند، در خلقت آن‌ها نظر کرده و بدین وسیله به توحید خدای تعالی راه یابند. بعضی از آن‌ها اموری هستند مربوط به زمین، مانند شکافتن دانه‌های گیاهان و هسته‌های درختان و امثال آن و بعضی دیگر اموری هستند مربوط به آسمان مانند پدید آوردن شب و صبح و به وجود آوردن آفتاب و ماه و ستارگان. و برخی دیگر مربوط به خود آدمی است و این که تمامی افراد بشر از یک

فرد منشعب شده، بعضی از آنان مستقر و برخی دیگر مستودعند. بعضی دیگر اموری هستند مربوط به همه آنها و آن فرستادن باران از آسمان و فراهم ساختن غذا برای نباتات و میوه‌ها و حیوانات و آدمیان و رویانیدن اشیایی که قوه در بدن دارند، مانند گیاه و حیوان و انسان است.

(۴۴) نظام آفرینش

خدای تعالی در این آیه ستارگان را آیتی مخصوص مردم دانا و انشاء نفوس بشری را آیتی مخصوص به مردمان فقیه و تدبیر روییدنی‌ها را آیتی مخصوص به مردم با ایمان شمرده است و این به خاطر مناسبتی است که در میان بوده است، مثلاً نظر در تدبیر نظام را از این جهت به مردم با ایمان اختصاص داد که تفکر در آن احتیاج به درس خواندن و مؤنه علمی ندارد، بلکه هر فهم عادی نیز می‌تواند، در آن نظر کرده و از دقتی که در آن به کار رفته پی به صانع آن ببرد، به شرط این که همین مقدار فهم عوامی اش به تنوع نظام آفرینش و تنوع آیات الهی (۴۵)

نور ایمان روشن و متنور بوده و قذارت عناد و لجاج آن را آلوده نکرده باشد. به خلاف نظر در ستارگان و اوضاع آسمان که هر کسی نمی‌تواند از آن سر درآورده و به دقایق آن پی ببرد، بلکه به دانشمندانی مخصوص است که تا حدی آشنایی به دست آورده باشند. هم‌چنین سر در آوردن از خصوصیات نفس و اسرار خلقت آن که علاوه بر داشتن مؤنه علمی کافی محتاج است به مراقبت باطن و تهذیب نفس. (۱)

۱- المیزان ج ۱۴، ص ۱۲۷.

(۴۶) نظام آفرینش

## فصل دوم: آیات الهی در شب و روز

### آیات الهی در اختلاف شب و روز

«إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ!» (۶ / یونس)

ظاهراً اختلاف از ماده «خَلَفَ» است و معنی خلف در اصل این است که چیزی به

(۴۷)

دنبال چیز دیگر قرار گیرد. بعدها این سخن گسترش بیشتری پیدا کرده و در هر موردی که دو چیز با یکدیگر مغایرت داشته باشند، استعمال شده است.

مراد از اختلاف لیل و نهار، یا این است که هر کدام پشت سر دیگری در می‌آیند، یعنی همین که شب و روز پشت سر هم در می‌آیند که هفته و ماه و سال ترسیم می‌شود. و یا مراد، اختلاف شب و روز است در اغلب مناطق مسکونی زمین که در اعتدال ربیعی شب و روز مساوی اند و آن‌گاه در مناطق شمالی روز شروع می‌کند به زیاد شدن و هر روز از روز پیش بیشتر می‌شود تا اول تابستان که شروع می‌کند به کم شدن تا به اعتدال خریفی برسد که اول پاییز است و شب و روز باز مساوی می‌شود و بعداً کم کم شب درازتر از روز می‌شود تا اول زمستان که آخرین درجه درازی شب است و پس از آن بار دیگر روز و شب به طرف تساوی می‌رود تا به اعتدال ربیعی برسد.

(۴۸) نظام آفرینش

این جریان در مناطق شمالی زمین است. در مناطق جنوبی جریان درست بر خلاف صورت می‌گیرد، یعنی درست به همان نسبت که روز در یکی از دو منطقه شمال یا جنوب بلند می‌شود، در طرف دیگر شب بلند می‌شود.

اختلاف اولی شب و روز (یعنی پشت سر هم آمدن شب و روز) کارهای مردم زمین را منظم می‌کند، زیرا خدا حرارت خورشید را بر زمین مسلط می‌کند، آن گاه سردی ظلمت را گسترش می‌دهد و باد را به وزش در می‌آورد و مردم را برای حرکت زندگی برمی‌انگیزد و آن گاه آنان را برای راحتی و آسایش گرد هم می‌آورد - «ما خوابتان را آرامش بخش، شب را به سان پوشش و روز را برای معاش قرار دادیم.» (۹ تا ۱۱ / نبأ)

اختلاف دوم، یعنی اختلاف بلندی و کوتاهی شب و روز، فصول چهارگانه سال را تشکیل می‌دهد و کار روزی و قوت مردم را منظم می‌سازد. خدا می‌فرماید: «خدا آیات الهی در اختلاف شب و روز (۴۹)

روزی‌های زمین را در چهار روز (دوره - فصل) اندازه‌گیری کرد که روزی طلبان در کسب روزی با هم مساوی‌اند.» (۱۰ / فصلت) اختلاف شب و روز و هم‌چنین موجوداتی که خدا در آسمان و زمین آفریده، حامل نظام واحد و متقنی است و خدا به وسیله این نظام، کار موجودات ارضی و سماوی و به ویژه عالم انسانی را با تدبیر واحدی انجام داد، به طوری که اجزای عالم را به بهترین شکل و صورتی که به تصور در آید به هم پیوند داده و این کاشف از جنبه ربوبیت خداست که هر چیز و منجمله انسان را پرورش می‌دهد. (۱)

۱- المیزان ج ۱۹، ص ۲۲.

(۵۰) نظام آفرینش

### اختلاف منظم در آیات شب و روز

«وَ اَخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ... آیات لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ!» (۵ / جاثیه)

این قبیل آیات جزو آیاتی هستند که بین زمین و آسمان قرار دارند. آسمان‌ها خود آیتی هستند. زمین هم خود آیتی است. و اختلاف شب و روز آیتی است بین زمین و آسمان.

منظور از اختلاف شب و روز، اختلاف آن دو از نظر کوتاهی و بلندی است، اختلافی منظم که از آغاز خلقتش تا کنون دگرگونی نیافته و به طور یکنواخت فصول چهارگانه بهار و تابستان و پاییز و زمستان را پدید آورده و این چهار فصل در هر ناحیه از اختلاف منظم در آیات شب و روز (۵۱)

نواحی زمین به هر صورتی بوده، اکنون نیز به همان صورت است و از این به بعد نیز به همین منوال مکرر می‌شود، اختلافی که به آن وسیله خدای سبحان رزق اهل زمین را تدبیر نموده به ترتیبی صالح رشدشان می‌دهد، همچنان که خودش فرمود: «وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِی أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سِوَاءَ لِّلسَّائِلِیْنَ - و در زمین در چهار فصل قوت اهل زمین را تأمین کرده است هر کس به مقدار نیاز و حاجاتش.» (۱۰ / فصلت) (۱)

۱- المیزان ج ۳۵، ص ۲۵۵.

(۵۲) نظام آفرینش

### آیت خواب شبانه و فعالیت روزانه

«وَمِنْ آیاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِی ذَٰلِكَ لَآیَاتٍ لِّقَوْمٍ یَسْمَعُونَ» (۲۳/ روم)

کلمه «فَضْل» به معنای زیادتر از مقدار حاجت از هر چیز است و بر عطیه نیز اطلاق می‌شود، چون صاحب عطا آن‌چه را عطا می‌کند، زائد بر مقدار حاجت خویش است و مراد به این کلمه در آیه شریفه رزق است و معنای «ابْتِغَاءُ فَضْل» طلب رزق

است.

در این که انسان دارای قوای فعاله‌ای خلق شده، که او را وادار میکند به این که در

آیت خواب شبانه و فعالیت روزانه (۵۳)

جستجوی رزق باشد و حوائج زندگی خود را به خاطر بقای خود تحصیل کند، از جای برخیزد و تلاش روزی کند و نیز در این که به سوی استراحت و سکون هدایت شده، تا به وسیله آن خستگی تلاش خود را برطرف نموده و تجدید و تجهیز قوا کند و باز در این که شب و روز را پشت سر هم قرار داده، تا خستگی هر روز را در شب همان روز برطرف سازد و باز در این که برای پدید آمدن شب و روز اوضاعی در آسمان نسبت به زمین پدید آمده، آیت‌ها و نشانه‌های سودمندی است برای کسی که دارای گوشه شنوا باشد، در آن چه می‌شود تعقل کند و چون آن را حق دید پیروی نماید. (۱)

۱- المیزان ج ۳۱، ص ۲۶۹.

(۵۴) نظام آفرینش

(۵۵)

## فصل سوم: آیات الهی در طبیعت و عوامل طبیعی

### آیات تحول در زمین

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْكَبَتِ الْأَرْضُ خَاشِعَةً!» (۳۹ / فصلت)

کلمه «خَاشِعَةً» به معنای اظهار ذلت است. منظور از اهتراز زمین و ربوه آن، به حرکت درآمدنش به وسیله گیاهانی است که از آن سر در می‌آورند و بلند می‌شوند.

(۵۶)

در این آیه شریفه استعاره‌ای تمثیلی به کار رفته، یعنی خشکی و بی‌گیاهی زمین در زمستان و سپس سرسبز شدن و بالا آمدن گیاهانش، به کسی تشبیه شده، که قبلاً افتاده حال و دارای لباس‌های پاره و کهنه بوده و خواری و ذلت از سر و رویش می‌باریده و سپس به مالی رسیده، که همه نارسایی‌های زندگی را اصلاح کرده و جامه‌های گرانبها بر تن نموده و دارای نشاطی و تبختری شده است، که خرمی و ناز و نعمت از سر و رویش هویدا است.

و این آیه شریفه در مقام اثبات معاد و احتجاج بر آنست. (۱)

۱- المیزان ج ۳۴، ص ۳۱۰.

ارائه آیات الهی و نزول رزق از سماء (۵۷)

### ارائه آیات الهی و نزول رزق از سماء

«هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا!» (۱۳ / مؤمن)

مراد از «آیات» در این جا علائم و حجت‌هایی است که بر وحدانیت خدای تعالی در ربوبیت و الوهیت دلالت می‌کند. کلمه «آیات» چون مطلق است، هم شامل آیات تکوینی و دیدنی عالم می‌شود، که هر انسان صحیح‌الادراکی آن‌را می‌بیند و هم آیات و معجزاتی که به دست انبیاء جاری می‌شود و هم براهینی که انبیاء از طریق وحی اقامه می‌کردند.

و این جمله مشتمل است بر یک برهان، به این بیان که اگر در واقع «اللّه» معبودی بوده باشد، که پرستش او بر انسان واجب باشد و نیز

در پرستش او کمال و سعادت آدمی

(۵۸) نظام آفرینش

تأمین شود، تمامیت و کمال تدبیر او اقتضای کند که انسان‌ها را به سوی خود هدایت کند و خوشبختانه آن خدایی که آیات کونیه بر ربوبیت و الوهیت او دلالت می‌کند و انبیاء و رسولان هم با دعوت خود و معجزاتشان آن آیات را تأیید می‌کنند، الله سبحانه است.

جمله «وَيُنزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا»، هم، حجتی دیگر بر یگانگی خدای تعالی است و این حجت از جهت رزق اقامه شده، می‌فرماید رزق دادن به بندگان خود یکی از شئون ربوبیت و الوهیت اله است و چون همه می‌دانند که رزق از ناحیه خداست.

بعید نیست مراد از رزق، خود آن ارزاقی باشد که مردم با آن ارتزاق می‌کنند و مراد از نازل شدن آن از آسمان این باشد که ارزاق از غیب به شهود می‌آیند: «وَأَنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِمَقْدَرٍ مَعْلُومٍ - هیچ چیز نیست مگر آن که خزینه‌هایش نزد ماست و ما آن را نازل نمی‌کنیم مگر به اندازه‌ای معین.» (۲۱ / حجر) (۱)

ارائه آیات الهی و نزول رزق از سماء (۵۹)

۱- المیزان ج ۳۴، ص ۱۸۴.

(۶۰) نظام آفرینش

### چه آیاتی در حرکت کشتی در دریا وجود دارد؟

«وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ!» (۳۲ / شوری)

اگر کشتی را به کوه تشبیه کرده به منظور افاده بزرگی آن بوده (همان طور که در فارسی هم می‌گوییم کشتی‌های کوه‌پیکر یا غول‌پیکر). معنای آیه چنین است: (و یکی دیگر از آیاتش کشتی‌های کوه‌پیکر جاری در دریاهاست).

«إِن يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظَلُّنَّ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ - اگر خدا بخواهد باد را که وسیله حرکت کشتی‌هاست فرو می‌نشاند و کشتی‌ها در وسط اقیانوس‌ها از حرکت باز می‌ایستند.»

«إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ - در آن چه که درباره کشتی‌های جاری بر گرده

چه آیاتی در حرکت کشتی در دریا وجود دارد؟ (۶۱)

دریا به وسیله بادها گفتیم که مردم و مال‌التجاره آنان را از ساحل این دریا به ساحل آن دریا می‌برد، خود آیاتی است برای هر کسی که نفس خود را از اشتغال به چیزهایی که به دردش نمی‌خورد، حبس می‌کند و به تفکر در نعمت‌های خدا می‌پردازد، چون تفکر در نعمت‌ها یکی از مصادیق شکر نعمت است.» (۱)

### چه آیاتی در حرکت باد و جریان هوا وجود دارد؟

«وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ!» (۵ / جاثیه)

۱- المیزان ج ۳۵، ص ۹۹.

(۶۲) نظام آفرینش

«تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ» یعنی گرداندن بادها از این سو بدان سو و فرستادنش از سویی به سوی دیگر، که در همین گرداندن بادها فواید عمومی بسیار نهفته است. از همه فوایدش عمومی‌تر حرکت دادن ابرهاست به نقاط مختلف جهان و یکی دیگر تلقیح گیاهان و سومی اش دفع عفونت‌ها و بوی‌های بد است. (این آیات را مردم دودزده شهرهای بزرگ امروز بهتر می‌شناسند.) (۱)



## قوانین پرواز به عنوان آیات الهی

«الْمَ يَرَوْنَ إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوِّ السَّمَاءِ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ

۱- المیزان ج ۳۵، ص ۲۵۶.

قوانین پرواز به عنوان آیات الهی (۶۳)

فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ!» (نحل / ۷۹)

کلمه «جَوِّ» به معنای هوای دور زمین است و معنای آیه چنین است: که آیا به مرغان نمی‌نگرند که چگونه در فضای دور و در جو آسمان مسخر خدا هستند. آن‌گاه نتیجه این نگرستن و تفکر را بیان نموده و می‌فرماید: «ما يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ!».

در این جا خدای تعالی سبب نگهداری مرغان را در فضا منحصر به خود کرده با این که می‌بینیم که اسباب طبیعی نیز در پرواز مرغان در فضا مؤثرند و از سوی دیگر می‌دانیم که خدای تعالی در کلام مجیدش ناموس علیت و معلولیت را تصدیق نموده، سببیت اسباب طبیعی را قبول دارد، پس چگونه در مسئله پرواز مرغان آن را انکار کرده است؟

(۶۴) نظام آفرینش

این سؤالی است که در آیه شریفه به نظر می‌رسد و لکن باید دانست که ایستادن و راه رفتن مرغان در فضا و سقوط نکردنشان به هر طوری که باشد و مستند به هر سببی که بوده باشد خودش و سببش و رابطه‌ای که میانه آن سبب و این سبب (پرواز) برقرار است همه مستند به خدای تعالی و صنع او هستند، اوست که وجود را بر طیر و بر سبب طیرانش و رابطه میان آن سبب و آن طیران افاضه فرموده، پس سببی که وجود را به آن سبب افاضه کرده، حقیقی است هر چند که متوقف بر سبب طبیعی‌اش و نزدیکش نیز باشد، پس سبب حقیقی این موجود منحصر خدای تعالی است، هر چند موقوف بر سبب‌های طبیعی نزدیکش نیز می‌باشد.

این است معنای توحید قرآن و دلیل بر آن جهت لفظ آیاتی است نظیر آیه: «الَّا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ - آگاه باش که مر او راست خلق و امر!» (اعراف/۵۴) و آیه: «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ

قوانین پرواز به عنوان آیات الهی (۶۵)

جَمِيعًا - به درستی که نیرو همه‌اش از خداست.» (۱۶۵ / بقره) و آیه: «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ - خدا آفریدگار هر چیز است.» (۶۲ / زمر) و آیه: «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ - به درستی که خدا بر هر چیز تواناست.» (۲۰ / بقره)

پرواز مرغان در جو آسمان در حقیقت عجیب‌تر از ایستادن انسان در زمین نیست، پس همه به طور مساوی منتهی به صنع خدای تعالی است. چیزی که هست انسان نسبت به پاره‌ای چیزها انس و الفت گرفته و تا چشم گشوده آن را آن طور دیده و باعث شده که قریحه جستجو و تحقیق و کنج‌آویزش نسبت به آن خمود گردد و از دیدن آن دچار هیچ شگفتی نشود ولی همین انسان وقتی به چیزی مخالف آن‌چه که مأنوس اوست، برخورد آن را امری استثنایی و غیر عادی می‌پندارد و قهرا قریحه کنج‌آویزش به بحث و جستجو انگیخته می‌شود.

(۶۶) نظام آفرینش

انسان همواره دیده که اجسام سنگین همه به زمین تکیه می‌کنند و به سوی زمین جذب می‌شوند، این تا بوده چنین دیده و آن‌گاه وقتی می‌بیند که چیز سنگینی به نام فلان مرغ این کلیت را نقض کرده و در فضا پرواز می‌کند و جاذبه زمین با آن کاری ندارد تعجب می‌کند و شروع به بحث و جستجو می‌نماید و تا روز به دست آوردن علتش تلاش می‌کند و البته بحث بهره‌ای از حق و حقیقت هم دارد و همین خود باعث شده که قرآن کریم هم این‌گونه امور را مواد احتجاج خود قرار می‌دهد.

و این که فرمود: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»، معنایش این است که در مسخر بودن مرغان در جو آسمان آیت‌هایی است برای

مردمی که ایمان بیاورند و چون مرغان در فضا یک حال ندارند تا یک «آیت» باشند، لذا خدای تعالی فرمود «آیت‌هایی» است برای مردمی که ایمان بیاورند. (۱)

قوانین پرواز به عنوان آیات الهی (۶۷)

۱- المیزان ج ۲۴، ص ۲۱۵.

(۶۸) نظام آفرینش

### دعوت به تفکر در قوانین پرواز

«أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ...!»  
(۱۹ / ملک)

منظور قرآن از این که توجه مردم را به سوی پرواز طیور و باز و بسته شدن بال‌های آن‌ها در هوا جلب کرده این است که بفهمند جز خدا کسی طیور را در فضا نگه نمی‌دارد.

گو این که ماندن طیور در فضا و ساقط نشدن آن‌ها مستند به اسباب طبیعی است، همچنان که ماندن انسان در زمین هم همین طور است و ماندن و شنا کردن ماهی‌های دعوت به تفکر در قوانین پرواز (۶۹)

سنگین وزن در روی آب نیز این طور است و همه امور طبیعی همین طور مستند به اسباب و علل طبیعی است و لکن همه این علل طبیعی به خدای تعالی منتهی می‌شود و به همین جهت صحیح است که ماندن مرغان در هوا را به خدا نسبت دهیم. خواهی گفت: این اختصاص به مرغان ندارد، چرا در آیه خصوص مرغان را نام برد؟ جوابش این است که بعضی از اسباب طبیعی برای همه شناخته شده نیست، مثل ماندن مرغابی در فضا و آمد و شد کردن در هوا، که در بدو نظر سؤال‌انگیز است و به محض مشاهده آن، انسان را منتقل به خدای سبحان می‌کند و می‌فهماند سبب حقیقی و اعلا‌ی پیدایش مرغان خداست و پروازشان هم مستند به اوست و بعضی دیگر این طور نیستند، نظیر (ایستادن و زندگی کردن انسان در روی زمین)، که انسان معمولی را منتقل به این معانی نمی‌کند و لذا می‌بینیم خدای سبحان در کلامش نظر بندگان خود را به آن گونه (۷۰) نظام آفرینش

امور جلب می‌کند، تا زودتر و بهتر به وحدانیت خدای تعالی در ربوبیت پی ببرند.

و در کلامش نمونه‌های بسیاری از این قبیل امور آمده، نظیر نگهداشتن آسمان‌ها بدون ستون و نگه داشتن زمین از متلاشی شدن و نگهداری کشتی‌ها بر روی آب و اختلاف میوه‌ها و رنگ‌ها و زبان‌ها و امثال آن، که سبب طبیعی نزدیکش از نظرها پنهان است و ذهن ساده‌دلان از توجه به آن امور به آسانی منتقل می‌شود به این که خدا آن‌ها را ایجاد کرده و اگر بعدها در اثر درس خواندن متوجه سبب طبیعی و نزدیک آن گردد، آن وقت در پدید آورنده سبب طبیعی‌اش فکر می‌کند، تا در آخر باز به خدای تعالی منتهی شود و بفهمد که - إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى! (۱)

۱- المیزان ج ۳۹، ص ۳۳.

چه آیاتی در نزول باران وجود دارد؟ (۷۱)

### چه آیاتی در نزول باران وجود دارد؟

«وَمَا أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا...!» (۵/جائیه)

مراد از رزقی که خدای تعالی از آسمان نازل می‌کند، باران است. و اگر باران را رزق نامیده، از باب نامیدن سبب به اسم مسبب است. که این گونه نام‌گذاری‌ها مجازی و شایع است و ممکن هم هست بدین جهت باشد که چون باران نیز رزق است، چون همه آب‌های زمین از باران است. و منظور از کلمه «سَمَاء» بالا سر و یا ابر است، چون ابر را هم مجازاً آسمان می‌گویند و منظور از احیای زمین بعد از مردنش، زنده کردن گیاهان و درختان است، که در زمستان مرده بودند. و تعبیر از آن به زنده کردن بعد از موت، - (۷۲) نظام آفرینش

خالی از اشاره به مسئله معاد نیست. (۱)

۱- المیزان ج ۳۵، ص ۲۵۵.

چه آیاتی در نزول باران وجود دارد؟ (۷۳)

### آیت اختلاف رنگ و زبان

«وَمَا يَأْتِيهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلَافُ السِّتِّكُمْ وَالْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِلْعَالَمِينَ!» (۲۲ / روم)

ظاهراً مراد از اختلاف لسان‌ها، اختلاف واژه‌ها باشد، که یکی عربی و یکی فارسی و یکی اردو و یکی چیز دیگر است. و مراد از اختلاف الوان اختلاف نژادهای مختلف از نظر رنگ باشد، که یکی سفیدپوست و دیگری سیاه، یکی زردپوست و دیگری سرخ‌پوست است.

البته ممکن است اختلاف لسان‌ها شامل اختلاف در لهجه‌ها و اختلاف آهنگ صداها

(۷۴) نظام آفرینش

نیز بشود، چون می‌بینیم که در یک زبان بین این شهر و آن شهر و حتی این ده و ده مجاورش اختلاف در لهجه است، همچنان‌که اگر دقت شود خواهیم دید که تن صدای دو نفر مثل هم نیست و هم‌چنین اختلاف الوان شامل افراد از یک نژاد نیز بشود، چون اگر دقت شود دو نفر از یک نژاد رنگشان عین هم نیست و این معنا از نظر علمای این فن مسلم است.

پس متفکرین و اهل بحث که پیرامون عالم کبیر بحث می‌کنند، در نظام خلقت به آیاتی دقیق بر می‌خورند، که دلالت می‌کند بر این‌که عالم صنع و ایجاد با نظامی که در آن جاری است، ممکن نیست پدید آید مگر از ناحیه خدا و نیز ممکن نیست منتهی شود مگر به سوی او. (۱)

۱- المیزان ج ۳۱، ص ۲۶۹.

آیت اختلاف رنگ و زبان (۷۵)

### آیت دگرگونی در رنگ‌های طبیعت

«وَمَا ذَرَأْتُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ...!» (۱۳ / نحل)

کلمه «ذَرَأَ» به معنای خلق کردن است و اختلاف الوان معادن و سایر مرکبات عنصری است که از زمین خلق کرده و بشر از آن منتفع می‌شود و بعید نیست که اختلاف الوان کنایه از اختلاف نوعی باشد. و در آن صورت آیه مورد بحث قریب المعنای با آیه «وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مَّتَجَوِّرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَزُرْعٌ وَ

(۷۶) نظام آفرینش

نَخِيلٌ صِنَوَانٌ وَغَيْرُ صِنَوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفَّضَلُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ» (۴ / رعد) خواهد بود.

و اختلاف الوان آن‌چه که در زمین خلق کرده از گیاهان و درخت‌ها و میوه‌ها امری است که با آن می‌توان بر وحدانیت و یکتایی

خدا در ربوبیت استدلال کرد و چون امر واحدی است لذا فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و فرمود «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (۱).

### آیت قیام و ثبوت آسمان و زمین

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ!» (۲۵ / روم)

۱- المیزان ج ۲۴، ص ۵۴.

آیت قیام و ثبوت آسمان و زمین (۷۷)

کلمه «قیام» به معنای به پا شدن و در مقابل قعود است که به معنای نشستن است و چون معتدل‌ترین حالات آدمی - و آن حالتی که در آن بر همه کارهایش مسلط است - حالت ایستادگی است، لذا در عرب وقتی بخواهند از ثبوت و استقرار چیزی بر معتدل‌ترین حالتش خبر دهند، تعبیر به قیام آن چیز می‌کنند، همچنان که در قرآن کریم تدبیر عالم از ناحیه خدای را قیام خدا بر آن خوانده و فرموده: «أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ - آیا کسی که او قائم بر هر نفسی است به آن چه می‌کند.» (۳۳ / رعد) و مراد به قیام آسمان و زمین به امر خدا، ثبوت آن دو است بر حالتی که خدا از حرکت و سکون و تغییر و ثبات به آن‌ها داده و اما این که کلمه «أمر» به چه معناست؟ آیه «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» - امر او جز این نیست که چون چیزی را بخواهد و بگوید بباش و آن چیز بی درنگ موجود شود،» جوابگوی آن است. (۸۲ / یس) (۱)

(۷۸) نظام آفرینش

۱- المیزان ج ۳۱، ص ۲۷۱.

آیت قیام و ثبوت آسمان و زمین (۷۹)

(۸۰)

### فصل چهارم: آیات الهی در وجود انسان

#### آیات ربوبیت الهی در زمین و در انسان

«وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ؟» (۲۰ / ذاریات)

در آیه مورد بحث اشاره‌ای است به آن عجایب و نشانه‌های روشنی که در زمین هست و بر یکتایی تدبیر آن دلالت می‌کند و معلوم است که یکتایی تدبیر قائم به یکتایی

(۸۱)

مدبر است. پس مدبر در خشکی و دریا و کوه‌ها و تل‌ها و چشمه‌ها و نهرها و معادن و منافع که دارند یکی است، منفعی که به یکدیگر متصل و به نحوی سازگار با همدیگر و منفعی که موجودات جاندار در آن از نبات و حیوان گرفته (تا انسان)، از آن بهره‌مند می‌شود، نظامی که همچنان ادامه دارد و به صرف تصادف و اتفاق پدید نیامده و آثار قدرت و علم و حکمت از سرپایش هویداست و می‌فهماند که خلقت و تدبیر امرش منتهی به خالق است مدبر و قادر و علیم و حکیم.

پس به هر سو از جوانب عالم که توجه کنیم و به هر حیث از جهات تدبیر عام جاری در آن روی می‌آوریم، می‌بینیم آیتی است روشن و برهانی است قاطع بر وحدانیت رب آن و این که رب عالم شریکی ندارد، برهانی که در آن حق و حقیقت برای اهل یقین جلوه می‌کند، پس در این عالم آیتی است برای موقنین.

(۸۲) نظام آفرینش

«وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» - و در جان‌های خود شما آیات روشنی است برای کسی که ببیند آن را و به نظر دقت در آن بنگرد آیا نمی‌بینید؟»

آیات و نشانه‌هایی که در نفوس خود بشر هست چند جور است: یک عده آیات موجود در خلقت انسان، مربوط به طرز ترکیب بندی اعضای بدن و قسمت‌های مختلف اجزای آن اعضاء و اجزاء است، تا برسد به عناصر بسیط آن و نیز آیاتی است که در افعال و آثار آن اعضاء است که در همه آن اجزاء با همه کثرتش اتحاد دارد و در عین اتحادش احوال مختلفی در بدن پدید می‌آورد.

آیات دیگری در تعلق نفس یعنی روح به بدن هست که یکی از آن آیات پدید آمدن حواس پنجگانه است که اولین رابطه‌ای است که انسان را به محیط خارج خود آگاه می‌سازد و به وسیله این حواس خیر را از شر تمیز می‌دهد.

آیات ربوبیت الهی در زمین و در انسان (۸۳)

تازه در هر یک از این حواس پنجگانه نظامی حیرت‌انگیز و وسیع وجود دارد، نظامی که ذاتا هیچ ربطی به نظام حس دیگر ندارد. با این که این حواس پنجگانه بیگانه از هم و جدای از همدند، تحت یک تدبیر اداره می‌شوند و مدبر همه آنها یکی است و آن هم نفس آدمی است و خدای تعالی در ورای نفس، محیط به آن و عملکرد آن است.

بعضی دیگر از آیات نفوس، سایر قوایی است که از نفوس منبث می‌شوند و در بدن‌ها خود را نشان می‌دهند، مانند قوه غضب و نیروی شهوت و لواحق و فروع این دو نیرو، که این قوا و فروع آنها هم هر یک با دیگری از نظر نظامی که دارد جداست، در عین این که هر دو قوا تحت یک تدبیر اداره می‌شوند و فروع هر یک دست به دست هم می‌دهند تا خدمتگزار آن نیرو باشند.

این نظام تدبیر که برای هر یک از این قوا هست از همان روز اولی که وجود یافت،

(۸۴) نظام آفرینش

موجود بود بدون حتی یک لحظه فاصله.

یک دسته آیات نفوس، آیات روحی است که کسانی به آن اطلاع می‌یابند که به نفوس خود مراجعه نموده و آیاتی را که خدای سبحان در آنها قرار داده، آیاتی که هیچ زبانی نمی‌تواند آن را وصف کند، ببینند، آن وقت است که باب یقین برایش گشوده می‌شود و برای چنین کسی است که به تدریج ایمانش نو به نو دست داده، در آخر از موقنین می‌گردد، آنان که ملکوت آسمان‌ها و زمین را خواهند دید. (۱)

### آیت آفرینش انسان از خاک و مراتب تکون آن

۱- المیزان ج ۳۶، ص ۲۷۷.

آیت آفرینش انسان از خاک و مراتب تکون آن (۸۵)

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ!» (۲۰ / روم)

منظور از این که فرمود «شمارا از خاک خلق کرده»، این است که خلقت شما افراد بشر بالاخره منتهی به زمین می‌شود، چون مراتب تکون و پیدایش انسان چه مرتبه نطفه و چه علقه و چه مضغه و چه مراتب بعد از آن بالاخره از مواد غذایی زمین است، که پدر یک انسان و سپس مادر او می‌خورد و فرزند در صلب پدر و سپس در رحم مادر رشد می‌کند، پس انسان پیدایشش از عناصر زمین است.

در جمله «ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ»، کلمه «إذا» معنای ناگهان را می‌رساند، و معنای جمله این است که خداوند شما را از زمین خلق کرد، ناگهان انسانی تمام عیار شدید و به روی زمین منتشر گشتید. با این که از زمین مرده انتظار می‌رود مرده‌ای

## (۸۶) نظام آفرینش

دیگر پدید آید، نه موجودی جاندار، لکن ناگهانی و یک دفعه موجودی زنده و با شعور و عقل گشته، برای تدبیر امر زندگی خود در روی زمین به جنب و جوش در آمدید، پس جمله «ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ»، در معنای همان جمله «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ - سپس او را موجودی دیگر آفریدیم»، می‌باشد.

پس خلقت انسان یعنی جمع کردن اجزاء و مواد زمینی و آن‌ها را به هم ترکیب کردن و روی هم آن را انسانی دارای حیات و شعور عقلی ساختن، آیتی و یا آیتی دیگر است، که بر وجود صانع زنده و علیم دلالت می‌کند، صانعی که امور را تدبیر می‌کند و این نظام عجیب و غریب را به وجود می‌آورد. (۱)

۱- المیزان ج ۳۱، ص ۲۶۶.

آیت آفرینش انسان از خاک و مراتب تکون آن (۸۷)

**چه آیاتی در آفرینش انسان و سایر جنبندگان و نظام آن وجود دارد؟**

«وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ!» (۴ / جاثیه)

- و خود شما از حیث وجودتان، که وجودی است مخلوق و نیز در جنبندگان از این حیث که خدای تعالی خلقشان کرده و در زمین متفرق و پراکنده ساخته، آیاتی است برای مردمی که راه یقین را سلوک می‌کنند.

خلقت انسان علاوه بر این که موجودی است زمینی و مرتبط به ماده، نوع دیگری است از خلقت که با خلقت آسمان‌ها و زمین اختلاف دارد. برای این که آسمان‌ها و زمین تنها موجودی مادی هستند، ولی ایشان موجودی است مرکب از بدنی مادی،

## (۸۸) نظام آفرینش

و ترکیب یافته از مواد عنصری و زمینی، که با مرگ فاسد و متلاشی می‌شود و از چیزی دیگر ورای ماده، چیزی که از سنخ عالم بالا و مجرد از ماده است. و به همین جهت با مرگ فاسد نمی‌شود، بلکه در هنگام مرگ بدن متوفی می‌شود، یعنی به تمام و کمال گرفته می‌شود و نزد خدا محفوظ می‌ماند و این چیز همان است که قرآن آن را روح نامیده و فرمود: «و از روح خود در آن دمیدیم.» (۲۹ / حجر)

و نیز بعد از آن که خلقت انسان از نطفه و سپس از علقه و آن‌گاه از مضغه و در آخر تکمیل ساختمان بدنی او را ذکر می‌کند و می‌فرماید: «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ - سپس او را خلقتی دیگر کردیم.» (۱۴ / مؤمنون) و نیز درباره حقیقت مرگش که چیست فرموده: «بگو آن فرشته مرگ که موکل بر شماست شما را تمام و کامل تحویل می‌گیرد.» (۱۱/سجده)

چه آیاتی در آفرینش انسان و سایر... (۸۹)

پس کسی که در خلقت انسان تدبیر و نظر می‌کند، در حقیقت در یک آیت ملکوتی نظر می‌افکند، آیتی ورای آیات مادی و هم‌چنین ناظر در خلقت جنبندگان، چون آن‌ها نیز جان دارند، (دارای حیات و شعورند، هر چند از نظر حیات و شعور و هم‌چنین از نظر تجهیزات بدنی پایین‌تر از انسانند، ولی همه آن‌ها برای کسی که اهل یقین باشد آیت‌ها هستند، و اهل یقین با سیر و تفکر در خلقت آن‌ها خدای سبحان را می‌شناسند، و به وحدانیت و بی‌شریکی‌اش در ربوبیت و الوهیت پی می‌برند. (۱)

۱- المیزان ج ۳۵، ص ۲۵۴.

## (۹۰) نظام آفرینش

**بخش دوم: نظام آفرینش جهان**

## فصل اول: نظام عمومی و نظام خصوصی

## مکتب توحید و نظام آفرینش

(۹۱)

(۹۲)

«وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ...!» (۱۶۳ و ۱۶۴ / بقره)

مفهوم «وحدت» از مفاهیم بدیهی است که در تصور آن هیچ حاجت به آن نیست که

(۹۳)

کسی آن را برای ما معنا کند. جمله «إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ» با همه کوتاهی‌اش می‌فهماند، که الوهیت مختص و منحصر به خدای تعالی است و وحدت او وحدتی مخصوص است، وحدتی که لایق ساحت قدس اوست. در چنین زمینه‌ای اگر قرآن کریم بفرماید: معبود شما واحد است، ذهن شنونده به آن وحدتی متوجه می‌شود که کلمه «واحد» در نظرش به آن معناست. جمله «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» نص و صراحت جمله قبلی را تأکید می‌کند و تمامی توهم‌ها و تأویل‌هایی که ممکن است درباره عبارت قبلی به ذهن آید، برطرف می‌سازد.

قرآن کریم اصل وجود خدای تعالی را بدیهی می‌داند. یعنی عقل برای پذیرفتن وجود خدای تعالی احتیاجی به برهان نمی‌بیند. و هر جا از خدا صحبت کرده، عنایتش همه در این است که صفات او را از قبیل وحدت و یگانگی و خالقیت و علم و قدرت و یا صفات دیگر او را اثبات کند.

(۹۴) نظام آفرینش

– «به راستی که در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و رفت شب و روز و کشتی‌ها که در دریا روان می‌شوند با آنچه به مردم سود می‌رساند و آنچه خدا از (نوع) آب از آسمان فرود می‌آورد و زمین را که مرده بود با آن زنده می‌کند و در آن همه گونه جنبنده را پراکند و در گردش بادها و (در) ابرهای مسخر میان آسمان و زمین، (در همه) آیات و نشانه‌های (خداست) برای گروهی که می‌اندیشند.» (۱۶۴ / بقره)

این آیه پیرامون همان معنایی استدلال می‌کند که آیه قبلی متضمن آن بود. چون آیه سابق اگر شکافته شود معنایش این می‌شود که – برای هر موجودی از این موجودات، الهی است و اله همه آن‌ها یکی است و این اله یگانه و واحد، همان اله شماسست و او رحمن است چون رحمتی عمومی دارد و رحیم است چون رحمتی خصوصی دارد و هر کسی را به سعادت نهایی‌اش – که همان سعادت آخرت است – سوق می‌دهد. پس این‌ها

مکتب توحید و نظام آفرینش (۹۵)

همه حقایقی هستند حقه...

و در خلقت آسمان‌ها و زمین و اختلاف شب و روز، تا آخر آنچه در آیه ذکر شده، آیاتی است که بر این حقایق دلالت می‌کند، البته برای مردمی که تعقل کنند. نامبرده‌ها این معنا را افاده می‌کنند که نظامی در سراسر جهان برقرار است و تدبیری به هم پیوسته دارد.

آیه نخست اثبات می‌کند اله موجودات دیگر غیر انسان و نظام کبیری که در آن‌هاست یکی است و سپس اثبات می‌کند که همان یک اله، اله انسان نیز هست – هم حجت بر وجود اله است و هم حجت بر وحدت اوست... (۱).

۱- المیزان ج ۲، ص ۳۴۱.

(۹۶) نظام آفرینش

**آفریننده واحد نظام آفرینش**

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلُكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ...» (۱۶۴ / بقره)

دلالیت آیه بر مسئله توحید این است که می‌فرماید: این آسمان‌ها که بر بالای ما قرار گرفته، با همه بدایعی که در خلقت آن‌هاست و این زمینی که ما را در آغوش گرفته و بر پشت خود سوار کرده، با همه عجایبی که در آن است و با همه غرایبی که در آفریننده واحد نظام آفرینش (۹۷)

تحولات و انقلاب‌های آن از قبیل اختلاف شب و روز و جریان کشتی‌ها در دریاها و نازل شدن باران‌ها و وزیدن بادهای گردنده و گردش ابرهای تسخیر شده، همه اموری هستند فی نفسه نیازمند به «صانعی» که ایجادشان کند. پس برای هر یک از آن‌ها «الهی» است «پدید آورنده».

این صورت برهان اولی است که آیه شریفه بر مسئله توحید اقامه کرده است. (۱)  
۱- المیزان ج ۲، ص ۳۶۴.

(۹۸) نظام آفرینش

**نظام عمومی آفرینش**

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلُكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ...» (۱۶۴ / بقره)

برهان دیگر را از راه نظامی که در عالم است اقامه نموده و حاصل آن این است که - این اجرام زمینی و آسمانی که از نظر حجم و کوچکی و بزرگی و هم دوری و نزدیکی مختلفند، به طوری که تحقیقات علمی به دست آورده، کوچکترین حجم یکی از آن‌ها ۴۰:۳۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ساتی مترمکعب است و بزرگترین آن‌ها حجمش میلیون‌ها برابر حجم زمین است.

نظام عمومی آفرینش (۹۹)

کره‌ای که قطرش تقریباً معادل ۹۰۰ مایل است و فاصله میانه دو ستاره و دو جرم آسمانی، قریب به سه میلیون سال نوری است. (و سال نوری تقریباً برابر است با رقم  $۳۶۵ \times ۲۴ \times ۶۰ \times ۶۰ \times ۳۰۰۰$  کیلومتر) و خلاصه این ارقام دهشت‌آور را نیک بنگر و آن‌گاه خودت حکم خواهی کرد: که چه اندازه نظام این عالم بدیع و شگفت‌آور است، عالمی که با همه وسعتش هر ناحیه‌اش در ناحیه دیگر اثر می‌گذارد و در آن دست‌اندازی می‌کند. و هر جزئی‌ش در هر کجا که واقع شده باشد از آثاری که سایر اجزاء در آن دارند متأثر می‌شود. جاذبه عمومی‌اش یکدیگر را به هم متصل می‌کند و نورش و حرارتش هم‌چنین. و با این تأثیر و تأثر سنت حرکت عمومی و زمان عمومی را به جریان می‌اندازد.

و این نظام عمومی و دائم و تحت قانونی ثابت است و حتی قانون نسبیت عمومی هم

(۱۰۰) نظام آفرینش

که قوانین حرکت عمومی در عالم جسمانی را محکوم به دگرگونی می‌داند، نمی‌تواند از اعتراف به این که خودش هم محکوم قانون دیگری است، خودداری کند، قانونی ثابت در تغییر و تحویل (یعنی تغییر و تحول در آن قانون ثابت و دائمی می‌باشد)... (۱).

نظام‌های خصوصی در اجرام و در ذرات

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلُكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ...» (۱۶۴ / بقره)



۱- المیزان ج ۲، ص ۳۴۷.

نظام‌های خصوصی در اجرام و در ذرات (۱۰۱)

و از سوی دیگر این حرکت و تحول عمومی در هر جزء از اجزای عالم به صورتی خاص به خود دیده می‌شود. در بین کره آفتاب و سایر کراتی که جزو خانواده این منظومه‌اند، به یک صورت است. هر چه پایین‌تر می‌آید، دایره‌اش تنگ‌تر می‌گردد. تا در زمین ما در دایره‌ای تنگ‌تر، نظامی دیگر به خود می‌گیرد، حوادث خاص بدان و جرم ماه که باز مختص بدان است و شب و روز و وزش بادها و حرکت ابرها و ریزش باران‌ها در تحت آن نظام اداره می‌شود.

باز این دایره نسبت به موجوداتی که در زمین پدید می‌آیند، تنگ‌تر می‌شود و در آن دایره معادن و نباتات و حیوانات و سایر ترکیبات درست می‌شود و باز این دایره در خصوص یک یک انواع نباتات، حیوانات، معادن و سایر ترکیبات تنگ‌تر می‌شود، (۱۰۲) نظام آفرینش

تا آن که نوبت به عناصر غیر مرکب برسد و باز به ذرات و اجزای ذرات و در آخر به آخرین جزئی که تاکنون علم بشر بدان دست یافته برسد، یعنی به الکترون و پروتون، که تازه در آن ذره خرد، نظامی نظیر نظام در منظومه شمسی می‌بینیم، هسته‌ای در مرکز قرار دارد و اجزای دیگر دور آن هسته می‌گردند، آنچنان که ستارگان به دور خورشید در مدار معین می‌گردند و در فلکی حساب شده، شنا می‌کنند...! (۱)

### تحول و دگرگونی در نظام‌ها

۱- المیزان ج ۲، ص ۳۴۸.

تحول و دگرگونی در نظام‌ها (۱۰۳)

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلُكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ...!» (۱۶۴ / بقره)

انسان در هر نقطه از نقاط این عالم بایستد و نظام هر یک از این عوامل را زیر نظر بگیرد، می‌بیند که نظامی است دقیق و عجیب و دارای تحولات و دگرگونی‌های مخصوص به خود، دگرگونی‌هایی که اگر نبود، اصل آن عالم پای برجا نمی‌ماند و از هم پاشیده می‌شد. دگرگونی‌هایی که سنت الهی با آن زنده می‌ماند، سنتی که عجایبش تمام‌شدنی نیست و پای خرد به کرانه‌اش نمی‌رسد... (۱)

وحدت و هماهنگی در نظام آفرینش

۱- المیزان ج ۲، ص ۳۴۸.

(۱۰۴) نظام آفرینش

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلُكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ...!» (۱۶۴ / بقره)

در جریان نظام آفرینش حتی به یک نقطه استثنا بر نمی‌خوریم. هیچ تصادفی هر چند به ندرت در آن رخ نمی‌دهد، نظامی است که نه تاکنون و نه هیچ‌وقت، عقل بشر به کرانه‌اش نمی‌رسد و مراحلش را طی نمی‌کند.

اگر از خردترین موجودش چون مولکول شروع کنی و به طرف مرکباتی که از آن ترکیب یافته بالا-بیایی، تا بررسی به منظومه شمسی و کهکشان‌هایی که تاکنون به چشم مسلح دیده شده، بیش از یک عالم و یک نظام نمی‌بینی و اگر از بالا شروع کنی و

وحدت و هماهنگی در نظام آفرینش (۱۰۵)

کهکشان‌ها را یکی پس از دیگری از هم جدا نموده، منظومه‌ها را از نظر بگذرانی و تک تک کرات را و سپس کره زمین و در آخر ذره‌ای از آن را تجزیه کنی تا به مولکول بررسی، باز می‌بینی از آن عالم واحد و آن نظام واحد و آن تدبیر متصل چیزی کم

نشده، با این که هیچ دو تایی از این موجودات را مثل هم نمی‌بینی: دو تا انسان، دو تا گوسفند، دو تا شاخه توت، دو تا برگ گردو، دو تا مگس و بالاخره هر جفت جفت موجودات را در نظر بگیری، خواهی دید که هم ذاتا مختلفند و هم حکما و هم شخصا.

پس روبره‌م عالم یک چیز است و تدبیر حاکم بر سراپای آن متصل است و تمامی اجزایش مسخر برای یک نظام است، هر چند که اجزایش بسیار و احکامش مختلف است: «عَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ - همه وجوه برای خدای حی و قیوم خاضع است.» (۱۱۱ / طه)

(۱۰۶) نظام آفرینش  
پس اله عالم که پدیدآورنده آن و مدبر امر آن است، نیز یکی است. (۱)

### وحدت نظام انسان و نظام جهان

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلُوكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ...!» (۱۶۴ / بقره)

برهان سومی که در آیه اقامه شده از راه احتیاج انسان است، که می‌فرماید: این انسان، که یکی از پدیده‌های زمینی است، در زمین زنده می‌شود و زندگی

۱- المیزان ج ۲، ص ۳۴۸.

وحدت نظام انسان و نظام جهان (۱۰۷)

می‌کند و سپس می‌میرد و دوباره جزو زمین می‌شود، در پدید آمدنش و بقایش، به غیر این نظام کلی که در سراسر عالم حکمفرماست و با تدبیری متصل سراپای عالم را اداره می‌کند، به نظام دیگری احتیاج ندارد.

این اجرام آسمانی در درخشندگی و حرارت، این زمین در شب و روزش و بادها و ابرها و باران‌هایش و منافع و کالاهایی که از هر قاره به قاره دیگرش منتقل می‌شود، همه این‌ها مورد احتیاج آدمی است و زندگی انسان و پیدایش و بقایش بدون آن تدبیر نمی‌شود. و خدا از ماورای همه این‌ها محیط به آدمی است - پس وقتی نظام هستی انسان و همه عالم یکی است، نتیجه می‌گیریم که اله و پدیدآورنده و مدبر آن، همان اله و پدیدآورنده و مدبر امر انسان است.

در آیه مورد بحث بعد از اقامه سه برهان بر وحدت اله، که در آیه قبل ادعا شده بود،

(۱۰۸) نظام آفرینش

برهانی هم بر دو اسم رحمان و رحیم اقامه کرده است.

بیان آن برهان این است که این اله، که مایحتاج هر چیزی را به او داده و آنچه را که هر چیز در رسیدن به سعادت وجودی‌اش و نیز در رسیدن به سعادت در غایتش و اگر غیر از زندگی در دنیا آخرتی هم دارد، در رسیدن به غایت اخرویش، بدان نیازمند است، در اختیارش گذاشته، چنین الهی رحمان و رحیم است.

رحمان - بدین جهت که مایحتاج مادی تمام موجودات را فراهم کرده است. رحیم - بدین جهت که مایحتاج آدمی را در رسیدن به سعادت آخرتش در دسترس او گذاشته است.

چه‌طور ممکن است خدایی که عاقبت امر انسان و آخرت او را تدبیر کرده، غیر آن خدایی باشد که خود انسان را تدبیر می‌کند؟ (۱)

وحدت نظام انسان و نظام جهان (۱۰۹)

۱- المیزان ج ۲، ص ۳۴۹.

(۱۱۰) نظام آفرینش

(۱۱۱)

## فصل دوم: نظام آفرینش و آفریننده جهان

### نظام حق و چگونگی حق بودن الهی

«ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ!» (۶ / حیح)  
 اشاره آیه به مطالبی است که در آیه قبلی آمده بود و آن خلقت انسان و گیاه بود و تدبیر (۱۱۲)

امر آن‌ها از نظر حدوث و بقاء و هم از نظر خلقت و تدبیر، امری است دارای واقعیت، که کسی نمی‌تواند در آن‌ها تردید کند. آنچه از سیاق بر می‌آید این است که مراد از «حق» خود «حق» است. می‌خواهد بفرماید: خدای تعالی خود حق است و حقی که هر موجودی را تحقق می‌دهد و در همه چیز نظام حق جاری می‌کند، پس همین که خدای تعالی حق است و هر چیزی تحققش به اوست، سبب شده که این موجودات حق و نظام‌های حق جاری در آن به وجود آید و همه این‌ها کشف می‌کند از این که او حق است. جمله «وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ»، عطف است به مطلب آیه قبل و آن عبارت بود از انتقال دادن خاک مرده را از حالی به حالی و رساندنش به انسانی زنده و نیز انتقال دادن زمین مرده را به وسیله آب، به صورت نباتی زنده و این کار همچنان ادامه دارد، به خاطر نظام حق و چگونگی حق بودن الهی (۱۱۳)

این که او کارش زنده کردن مردگان است. (۱)

۱- المیزان ج ۲۸، ص ۲۰۷.

(۱۱۴) نظام آفرینش

### مفهوم حق در خلقت

«وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ!» (۲۲ / جاثیه)

ظاهراً مراد از سماوات و ارض، کل عالم محسوس باشد و می‌فهماند که خلقت عالم در جامه حق صورت گرفت و باطل و بازیچه نبوده است.

حق بودن این عالم کون و فساد به این است که برای آن غایتی و هدفی ثابت و باقی در ماورای آن باشد.

به حق بودن خلقت اقتضا می‌کند که در ماورای این عالم و بیرون از آن عالمی دیگر باشد، که در آن عالم موجودات جاودانه شوند و به عدل بودن خلقت هم این مفهوم حق در خلقت (۱۱۵)

اقتضا را دارد که هر نفسی، جزایی که استحقاق دارد داده شود: «وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ!» (۱)

### علم به کیفیت آفرینش و هدف در آن

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ...؟» (۱۹ / ابراهیم)

- (آیا نمی‌بینی که خدا آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید؟)

۱- المیزان ج ۳۵، ص ۲۸۲.

(۱۱۶) نظام آفرینش

مقصود از دیدن، علم قاطع است. آری علم است که می‌تواند به کیفیت خلق آسمان‌ها و زمین تعلق بگیرد، نه رؤیت به

چشم.

فعل خدای تعالی (خلقت این عالم) از این نظر حق است که در ماورای خود و بعد از انعدام خود اثر و خلف و هدفی باقی می‌گذارد و اگر غیر از این بود و دنبال این عالم اثری باقی نمی‌ماند، فعل خدای تعالی باطل بود.

فعل و عمل وقتی حق است که در آن خاصیتی باشد که فاعل منظورش از آن فعل همان خاصیت باشد و با عمل خود به سوی همان خاصیت پیش برود و اما اگر فعلی باشد که فاعل منظوری غیر از آن فعل نداشته باشد، آن فعل باطل است. می‌بینیم هر یک از انواع موجودات این جهان از اول پیدایش و تکون خود متوجه نتیجه و غایتی است نشان شده، که جز رسیدن به آن غایت هدف دیگری ندارد. و نیز

علم به کیفیت آفرینش و هدف در آن (۱۱۷)

می‌بینیم که بعضی از این انواع غایت بعض دیگر است. مانند عناصر زمین که گیاهان از آن بهره‌مند می‌شوند و مانند گیاهان که حیوانات از آن‌ها استفاده می‌برند و هم‌چنین حیوان که برای انسان خلق شده است. بنابراین لایزال خلقت عالم از مرحله‌ای به مرحله‌ای و از غایتی به غایتی شریف‌تر پیش می‌رود، تا آن‌که به غایتی برسد که غایتی مافوق آن نیست و آن بازگشت به سوی خدای سبحان است: «وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُتَّبِعُونَ» (۱)

### وحدت در کثرت و کثرت خواص و آثار طبیعی

۱- المیزان ج ۲۳، ص ۶۳.

(۱۱۸) نظام آفرینش

«الْأَمْرَ آتِلُكَ آيَاتِ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ...!» (۱ تا ۳ / رعد)

سیاق آیه فوق سیاق اقامه حجت است بر توحید ربوبیت، نه بر اثبات صانع و یا توحید او و خلاصه آن حجت این است که اختلاف اثری که در موجودات هست با این که ماده اصلی همه آن‌ها یکی است، از این حقیقت پرده بر می‌دارد که همه مستند به سببی هستند و رای این اصل مشترک که انتظام آن از مشیت و تدبیر اوست، پس مدبر عالم خدای سبحان است و هم‌رب آن است و ربی غیر آن ندارد. این است خلاصه حجتی که آیه در مقام بیان آن است.

فرق میان دو حجت و دلیل یعنی حجت: «وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ»، و حجت «وَفِي

وحدت در کثرت و کثرت خواص و آثار طبیعی (۱۱۹)

الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَّجِرَاتٌ»، این است که اولی توحید ربوبیت را از وحدتی که در کثرت مشاهده می‌شود و ارتباط و اتصالی که در تدبیر همه موجودات عالم با همه کثرتش دیده می‌شود اثبات می‌نماید و می‌رساند که مدبر آن یکی است.

ولی دومی که به عکس اولی این مدعا را از طریق کثرت خواص و آثار در موجوداتی که در شرایط واحدی قرار دارند اثبات می‌کند، اولی از طریق وحدت در کثرت، دومی از راه کثرت در وحدت و می‌رساند که اختلاف آثار و خواص موجودات با این که اصل همه یکی است خود کاشف از وجود مبدئی است که این آثار و خواص مختلف و متفرق را افاضه می‌کند و خود امری است. ماورای طبایع این موجودات و سببی است فوق این اسباب که گفتیم اصلشان واحد است و او رب همه است و ربی غیر او نیست. حجت: «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ»، دلیل بود که مدعا را از هر دو طریق اثبات می‌کرد.

(۱۲۰) نظام آفرینش

حاصلش این است که امر عالم با همه تشمت و تفرقی که دارد، تحت تدبیر واحدی اداره می‌شود، پس به‌همین دلیل رب آن نیز واحد است و آن خدای سبحان است و خداوند تعالی که آیات را تفصیل می‌دهد و هر یک را از دیگری متمایز و جدا می‌سازد و در

نتیجه سعید از شقی و حق از باطل جدا می‌گردد و این همان معاد است، پس خداوند متعال از این برهان خود دو نتیجه می‌گیرد، یکی مبدأ و یکی هم معاد. و درباره معاد می‌فرماید: «لَعَلَّكُمْ يَلْقَاءُ رَبِّكُمْ تَوْقِنُونَ!» (۱)

۱- المیزان ج ۲۲، ص ۱۷۵.

وحدت در کثرت و کثرت خواص و آثار طبیعی (۱۲۱)

### استناد خلقت اولیه و تداوم و بقای اشیاء به خدای تعالی

«ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ!»

- این خدای یکتاست که پروردگار شماسست، خدایی جز او نیست، خالق همه چیز است...! (۱۰۲ / انعام)  
عده‌ای چون دیده‌اند که خدای تعالی خلقت تمامی اشیاء را به خود نسبت داده و در عین حال رابطه علیت و معلولیت را هم صحیح و مسلم دانسته است، پیش خود برای رفع این تنافی گفته‌اند: خدای تعالی تنها علت ایجاد اشیاء است و اما بقای اشیاء مستند است به همین علت‌هایی که خود ما به علت آن‌ها پی برده‌ایم و اگر خدای تعالی در بقاء هم علیت (۱۲۲) نظام آفرینش

داشت لازم می‌آمد دو علت مستقل در یک معلول توارد و اجتماع کنند و لذا می‌بینیم این دسته از علما همیشه سعی دارند، وجود صانع عالم را به وسیله حدوث موجودات اثبات کنند و به حدوث انسان بعد از نبودش و حدوث زمین و حدوث عالم بعد از عدمش تمسک جویند.

و نیز می‌بینیم که در اثر این اشتباه حدوث و وجود هر چیزی را که به علت حدوثش بر خورده‌اند، مستند به آن علت دانسته و حدوث امثال روح و زندگی انسانی و حیوانی و نباتی را مستند به خود خدای تعالی دانسته و طبقه بی‌سوادتر آنان امثال ابر و باران و برف و ستاره‌های دنباله‌دار و زلزله و قحطسالی و مرض‌های عمومی را که فهم عامیانه آنان به علل طبیعی آن‌ها نرسیده نیز مستند به خدای تعالی دانسته و در نتیجه هر وقت به علت طبیعی یکی از آن‌ها پی می‌برند با شرمساری از گفته قبلی خود - علت این گونه حوادث خود خدای تعالی است - چشم پوشیده و یا در برابر خصم تسلیم می‌شوند.

استناد خلقت اولیه و تداوم و بقای اشیاء... (۱۲۳)

عده کثیری از دانشمندان علم کلام همین درک ساده عوامی را به صورت یک مطلب علمی در آورده و گفته‌اند: وجود ممکن تنها در حدوثش محتاج به واجب‌الوجود است نه در بقاء؛ حتی بعضی از آنان تصریح کرده‌اند که اگر هم فرض کنیم خدایی نباشد عالمی که آن خدا آفرید و رفت باقی خواهد ماند و چرخش به طور اتوماتیک خواهد گردید و به نظر چنین می‌رسد که این حرف از ناحیه یهودی‌ها در بین مسلمین رخنه یافته و ذهن پاره‌ای از علمای کم بضاعت اسلام را مشوب نموده و در نتیجه حرف‌های دیگری از قبیل محال بودن بداء و نسخ را هم بر آن متفرع کرده‌اند و هنوز هم که هنوز است این قبیل حرف‌ها در میان مردم در دهان‌ها می‌گردد.

به هر حال شبهه نامبرده موهوم‌ترین شبهات و پست‌ترین اوهام است و احتجاجات قرآن کریم مخالف آن است. چون قرآن کریم تنها به مثل روح استدلال بر وجود صانع

(۱۲۴) نظام آفرینش

نکرده و بلکه به تمامی آیات مشهوده در عالم و نظام جاری در هر نوع از انواع مخلوقات و تغییر و تحول و فعل و انفعال آن‌ها و منافعی که از هر یک از آن‌ها استفاده می‌شود، استدلال کرده است و این مخالف با آن نظریه است. چون خداوند همه عالم و عوامل آن را چه مشهود و چه غیر مشهود معلول و مصنوع خود دانسته و به وجود آفتاب و ماه و ستارگان و طلوع و غروب آن‌ها و

منافعی که مردم از آن‌ها استفاده می‌کنند و چهار فصلی که در زمین پدید می‌آورند و هم‌چنین به وجود دریاها و نهرها و کشتی‌هایی که در آن‌ها جریان می‌یابد و ابرها و باران‌ها و منافعی که از ناحیه آن‌ها عاید بشر می‌شود و هم‌چنین به وجود حیوانات و نباتات و احوال طبیعی و تحولاتی که دارند از قبیل نطفه بودن و سپس جنین شدن و کودک و جوان و پیرشدن آن‌ها و سایر تحولاتشان بر وجود صانع استدلال کرده است.

استناد خلقت اولیه و تداوم و بقای اشیاء... (۱۲۵)

و حال آن‌که تمامی آن‌چه که خدای تعالی به آن استدلال بر وجود صانع کرده و آن‌ها را معلول خود دانسته همه معلول موجوداتی قبل از خود و از سنخ خود هستند، موجودات امروز علت موجودات فردا و موجودات فردا معلول موجودات امروزند. و اگر بقای موجودات بی‌نیاز از وجود خدای تعالی بود و به طور طبیعی و خودکار جریان علیت و معلولیت هم‌چنین در بین آن‌ها ادامه داشت، استدلال‌های نامبرده قرآن کریم هیچ کدامش صحیح و بجا نبود. (۱)

### آفرینش و تدبیر آسمان‌ها و زمین و رابطه آن با ولایت و شفاعت الهی

۱- المیزان ج ۱۴، ص ۱۴۳.

(۱۲۶) نظام آفرینش

«اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ!» (۴/سجده)

تعبیر به استواء در عرش کنایه است از مقام تدبیر موجودات و به نظام در آوردن آن‌ها، نظامی عام و پیوسته، که حاکم بر همه آن‌ها باشد. اگر بعد از خلقت آسمان‌ها و زمین مسئله استواء بر عرش را ذکر کرد برای این بود که سخن در اختصاص ربوبیت و الوهیت به خدای یگانه بود. چون بین خلقت و تدبیر ملازمه هست، یعنی یکی از دیگری جدایی‌پذیر نیست.

باز به همین جهت بعد از ذکر استواء بر عرش نمونه‌ای از تدبیر خدا را ذکر نموده، فرمود: «ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ»، چون ولایت و

آفرینش و تدبیر آسمان‌ها و زمین... (۱۲۷)

شفاعت نیز مانند استواء بر عرش از شئون تدبیر است.

«مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ!»

«وَلِيٍّ» به معنای کسی است که مالک تدبیر امر چیزی باشد و معلوم است که امور ما و آن شئونی که قوام حیات ما با آن‌هاست قائم به هستی است و محکوم و در تحت تدبیر نظام عامی است که حاکم بر همه هستی است و نیز محکوم به نظام خاصی است که خود ما انسان‌ها داریم و نظام هر چه باشد چه عامش و چه خاصش از لوازم و خصوصیات است که خلقت هر چیزی دارد و خلقت هم هر چه باشد مستند به خدای تعالی است، پس اوست که خصوصیات هر موجودی و از آن جمله انسان را داده و در نتیجه باز هموست که برای انسان نظامی مخصوص به خودش و نظامی عام مقرر کرده، پس همو مدبر و ولی ماست، که به امور ما رسیدگی نموده و شئون ما را تدبیر

(۱۲۸) نظام آفرینش

می‌کند، همانطور که ولی هر چیزی است و در این باب شریکی برایش نیست. «شَفِيعٍ» عبارت است از کسی که منضم به سببی ناقص شود و سببیت ناقص آن را تکمیل کند. هر یک از اسباب و شرایط عالم، شفیع یکدیگرند، چون سببیت یکدیگر را در تأثیر تکمیل می‌کنند، همچنان که هر یک از ابر، باران، آفتاب و سایه و امثال آن شفیع رویدنی‌ها هستند، چون هر یک سببیت دیگری را تکمیل می‌کنند. وقتی پدید آورنده اسباب و اجزای آن‌ها و ربط‌دهنده بین آن‌ها و مسببات، خدای سبحان بود، پس خدا شفیع حقیقی

است، که نقص هر سبب را تکمیل می‌کند، پس شفیع واقعی و حقیقی تنها خداست و غیر او شفیی نیست.

به بیانی دیگر و دقیق‌تر، این که اسماء حسناى خداى تعالى واسطه‌هایی بین او و بین خلقش در رساندن فیض به ایشان هستند. مثلاً خداى تعالى بدان جهت که دارای اسم آفرینش و تدبیر آسمان‌ها و زمین... (۱۲۹)

رازق، جواد، غنی و رحیم است به خلق خود رزق می‌دهد و بدان جهت که شافی، معافی، رؤف و رحیم است بیماران را شفا می‌دهد و بدان جهت که شدیدالبطش، ذواتتقام و عزیز است ستمکاران را هلاک می‌کند. و هم‌چنین هر فیضی را که به خلق می‌رساند، به وساطت یکی از اسماء حسناىش می‌رساند.

و بنابراین هیچ چیز از مخلوقات او که وجودش مرکب است نخواهی دید، مگر آن که در وجود آن، چند اسم از اسماء حسناى خدا دخالت و وساطت دارند، که این چند اسم بعضی مافوق بعضی و بعضی در عرض دیگرند و آن اسمی که از همه خصوصى تر است، واسطه است بین یک موجود و آن اسمی که اعم از خودش است: مثلاً اسم شافی اخص از اسم رؤف و رحیم است، چون آن فقط مربوط به شفای بیماران است ولی آن دو، هم شامل بیماران می‌شود و هم غیر آنان. به همین جهت اسم شافی واسطه می‌شود (۱۳۰) نظام آفرینش

بین مریض و اسم رحیم و رؤف، باز اسم رحیم خصوصى تر از اسم قدیر است و به همین جهت واسطه می‌شود میان قدیر و بیمار... و به همین منوال سایر اسماء. این وساطت در حقیقت تتمیم تأثیر سبب در مسبب است. و یا بگو نزدیک کردن مسبب است به سبب تا تأثیر سبب به فعلیت برسد.

از این معنا نتیجه می‌گیریم که خدا شفیع می‌شود با بعضی از اسماء خود، نزد بعضی دیگر. پس صحیح است که به استعمال حقیقی گفت: که خدا شفیع است و غیر از او شفیی نیست، (دقت بفرمایید). (۱)

۱- المیزان ج ۳۲، ص ۷۴.

آفرینش و تدبیر آسمان‌ها و زمین... (۱۳۱)

(۱۳۲)

## بخش سوم: نظام ازواج

### فصل اول: نظام ازواج در طبیعت

#### خلقت ازواج و نظام جاری در کل موجودات عالم

(۱۳۳)

(۱۳۴) نظام آفرینش

(۱۳۵)

«سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ!» (۳۶ / یس)

آیه فوق اشاره می‌کند به این که:

(۱۳۶)

مسئله تزویج دو چیز با هم و پدید آوردن چیز سوم، اختصاص به انسان و حیوان و نبات ندارد، بلکه تمامی موجودات را از این راه پدید می‌آورد و عالم مشهود را از راه زاد و ولد تنظیم می‌فرماید. به طور کلی عالم را از دو موجود فاعل و منفعل درست کرده، که

این دو به منزله نر و ماده حیوان و انسان و نباتند. هر فاعلی با منفعل خود برخورد می‌کند و از برخورد آن دو، موجودی سوم پدید می‌آید. آن‌گاه خدای را تنزیه کرده و می‌فرماید: «شَيْبَحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا - منزله است خدایی که جفت‌ها همه را آفریده است.»

جمله «مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ» با جمله بعدیش بیان ازواج است، آن‌چه که زمین می‌رویاند، عبارتست از نباتات و ممکن هم هست بگویم شامل حیوانات (که یک نوع از آن آدمی است)، نیز می‌شود، چون این‌ها هم از مواد زمینی درست می‌شوند خدای تعالی خلقت ازواج و نظام جاری در کل موجودات عالم (۱۳۷) هم درباره انسان که گفتیم نوعی از حیوانات است فرموده: «وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا - خدا شما را از زمین رویاند و چه رویاندنی!»

باز مؤید این احتمال این است که ظاهر سیاق بیان این است که شامل تمامی افراد مشخصی بشود، چون می‌بینیم که حیوان را در اعداد ازواج نام نبرده، با این‌که زوج بودن حیوانات در نظر همه روشن‌تر بوده، از زوج بودن نبات، پس معلوم می‌شود منظور از «مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ» هر چه را که زمین از خود می‌رویاند، همه گیاهان و حیوانات و انسان‌هاست.

«وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ...» یعنی از خود مردم، «مِمَّا يَعْلَمُونَ» یعنی از آن‌چه مردم نمی‌دانند و آن عبارت است از مخلوقات که هنوز انسان از وجود آن‌ها خبردار نشده، و یا به کیفیت پیدایش آن‌ها و یا به کیفیت زیاد شدن آن‌ها اطلاع پیدا نکرده است. (۱)

۱- المیزان ج ۳۳، ص ۱۴۰.

(۱۳۸) نظام آفرینش

### نحوه آفرینش آسمان و زمین و خلقت ازواج

«فَاطَرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ!» (۱۱/شوری)

معنای جمله «فَاطَرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» این است که او پدیدآورنده موجودات از کتم عدم است، آن هم پدیدآورنده بدون الگو و معنای جمله «جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا» این است که او شما را نر و ماده آفرید تا با ازدواج آن دو، مسئله توالد و تناسل نحوه آفرینش آسمان و زمین و خلقت ازواج (۱۳۹)

و زیاد شدن افراد صورت بگیرد. معنای جمله «وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا» این است که چهارپایان را هم نر و ماده آفرید. «يَذُرُّكُمْ فِيهِ» یعنی در این قرار دادن، شما را زیاد کرد. خطاب در جمله، هم به انسان است و هم به حیوان.

در این آیه به انحصار ربوبیت در خدای تعالی اقامه حجت می‌کند. خلاصه حجت مزبور این است که، خدای تعالی پدیدآورنده موجودات است و فاطر آن‌هاست. یعنی موجودات را او از کتم عدم بیرون می‌کند. شما را نر و ماده خلق کرد و از این راه عدد شما را بسیار کرد و هم‌چنین حیوانات را نیز نر و ماده آفرید و از این طریق آن‌ها را تکثیر نمود، تا شما (نسل به نسل) از آن حیوانات (نسل به نسل) استفاده کنید و این، هم خلقت است و هم تدبیر. (۱)

۱- المیزان ج ۳۵، ص ۴۱.

(۱۴۰) نظام آفرینش

### توسعه آسمان و گسترش زمین و خلقت ازواج

«وَالسَّمَاءَ بَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ!»

(۴۷ تا ۴۹ / ذاریات)



کلمه «اَیَّد»، هم به معنای قدرت است و هم به معنای نعمت. بنابر معنای اول، معنای آیه چنین می‌شود: که آسمان را با قدرتی بنا کردیم که با هیچ مقیاسی توصیف و اندازه‌گیری نمی‌شود و ما دارای وسعتی در قدرت هستیم، که هیچ چیز آن توسعه آسمان و گسترش زمین و خلقت ازواج (۱۴۱) قدرت را مبدل به عجز نمی‌کند.

بنابر معنای دوم چنین می‌شود: که ما آسمان را بنا کردیم در حالی که بنا کردنش مقارن با نعمتی بود که آن نعمت را با هیچ مقیاسی نمی‌توان تقدیر کرد و ما دارای نعمتی واسع هستیم و دارای غنایی مطلق می‌باشیم و خزانه‌های ما با اعطاء و رزق دادن پایان نمی‌پذیرد، از آسمان هر که را بخواهیم و به هر جور بخواهیم رزق می‌دهیم. احتمال هم دارد که از کلمه «مُوسِبُونَ» منظور توسعه دادن به خلقت آسمان خواهد بود، که بحث‌های ریاضی امروز هم آن را تأیید می‌کند.

- «وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ!»

ما زمین را گسترديم و مسطحش کردیم، تا شما بتوانید روی آن قرار گیرید، و در آن ساکن شوید، پس ما چه خوب گسترنده‌ای هستیم. و البته باید دانست که

(۱۴۲) نظام آفرینش

این مسطح کردن زمین با کروی بودن آن منافات ندارد.

«وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ!»

کلمه «زَوْجَيْنِ» به معنای هر دو چیزی است که مقابل هم باشند، یکی مؤثر و دیگری متأثر، بعضی گفته‌اند: این کلمه به معنای مطلق هر دو چیز متقابل است، مانند زن و شوهر، زمین و آسمان، شب و روز، خشکی و دریا، انس و جن. (۱)

### حفاظ آسمان‌ها و زمین، انتشار جنبندگان و رویش ازواج

۱- المیزان ج ۳۶، ص ۲۹۱.

حفاظ آسمان‌ها و زمین، انتشار جنبندگان... (۱۴۳)

«خَلَقَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَالْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ!»

(۱۰ / لقمان)

کلمه «تَرَوْنَهَا» احتمال دارد قید توضیحی باشد و معنا این باشد که «شما آسمان‌ها را می‌بینید که ستون ندارد» و احتمال هم دارد قید احترازی باشد و معنا چنین باشد: «که خدا آن‌ها را بدون ستونی دیدنی خلق کرده»، تا اشعار داشته باشد به این که آسمان‌ها ستون دارد، لکن دیدنی نیست.

- «وَالْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ!»

یعنی کوه‌های شامخی در زمین نهاد، تا زمین دچار اضطراب نگشته، شما را مضطرب نکند و این خود اشعار دارد بر این که بین کوه‌ها و

(۱۴۴) نظام آفرینش

زلزله‌ها رابطه‌ای مستقیم است.

- «وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ!»

یعنی در زمین از هر جنبده‌ای منتشر کرد.

«وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ!»

یعنی نازل کردیم از جهت بالای سر شما آبی، (که همان باران باشد) و رویاندیم در آن مقداری از هر دو جفت نباتی شریف که منافع شما در آن است و برایتان فوایدی دارد. در این بیان اشاره است به این که نباتات نیز مانند حیوانات نر و ماده‌اند. (۱)

### بنای آسمان و گسترش زمین و رویش ازواج و عوامل حیات

۱- المیزان ج ۳۲، ص ۲۳.

بنای آسمانی و گسترش زمین و رویش ازواج... (۱۴۵)

«أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا... وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا...»

(۶ تا ۱۱ / ق)

اگر کلمه «سَمَاء» را مقید کرد به کلمه «بالای سرشان» به این منظور بوده که بفهماند هر چیز را انکار کنند، این آسمان را نمی‌توانند انکار کنند، چون جلوی چشمشان و بالای سرشان است. و منظور از این که فرمود: آسمان را زینت دادیم، این است که ستارگان درخشان با آن جمال بدیع که دارند در آسمان آفریدیم. پس خود ساختمان این بنای بدیع با آن جمال خیره کننده‌اش و با این که هیچ ترک و شکافی در آن نیست، صادق‌ترین شاهد بر قدرت قاهره و علم محیط او به تمامی خلاق است.

(۱۴۶) نظام آفرینش

«وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَالْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ...!» «مَدَّ» زمین به معنای گسترده شدن است و خدای تعالی زمین را طوری گسترده آفریده که با زندگی انسان‌ها سازگار باشد. کلمه «راسیه» به معنای هر چیز ثابت است و کلمه «بهیج» از بهجت است. بهجت را به معنای آن حسنی گرفته‌اند که مانند گل‌ها و درختان خرم و باغ‌های سبز دیدنش لذت‌آور است. مراد به رویاندن هر جفتی بهیج، رویاندن هر نوعی از گیاهان خوش منظر است. پس خلقت زمین و تدابیر الهیه‌ای که در آن جریان دارد، بهترین دلیل است که می‌تواند عقل را بر کمال قدرت و علم صانع آن رهنمون شود.

«وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ!»

منظور از آب مبارک باران است و اگر آن را مبارک خوانده، بدین جهت است که خیرات آن به زمین و اهل زمین عاید می‌شود، منظور از «حَبُّ الْحَصِيدِ» حبه و

بنای آسمانی و گسترش زمین و رویش ازواج... (۱۴۷)

دانه محصود و درو شده است. معنای آیه چنین است: (از آسمان آبی پر برکت نازل کردیم و به دنبالش باغ‌ها و دانه‌های درو کردنی رویاندیم).

«وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ - درختان خرماي بلند با شکوفه‌های روی هم چیده.»

«رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ!»

ما این باغ‌ها و این دانه‌های درو شده و نخل‌های بلند بالا، با طلع‌های روی هم چیده را رویاندیم، برای این که رزقی باشد برای بندگان. پس کسی که این نباتات را آفرید، تا بندگان را روزی دهد، با آن تدابیر وسیع و محیرالعقولی که در آن‌ها به کار برده، دارای علمی بی‌نهایت و قدرتی است، که زنده کردن انسان‌ها بعد از مردن هر چند اجزایشان متلاشی و جسمشان در زمین گم شده باشد، عاجز نمی‌سازد. (۱)

۱- المیزان ج ۳۶، ص ۲۲۴.

(۱۴۸) نظام آفرینش

## خلق ازواج و تأمین وسایل حمل و حرکت انسان

«وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ!»  
(۱۲ و ۱۳ / زخرف)

مراد به «ازواج» به نظر برخی از مفسرین، اصناف موجودات از نر و ماده و سیاه و سفید و امثال آن است. بعضی دیگر گفته‌اند: مراد جفت از هر چیز است، چون هر موجودی سوی خدای تعالی جفتی دارد، بالا و پایینی دارد، راست خلق ازواج و تأمین وسایل حمل و حرکت انسان (۱۴۹) و چپ و نر و ماده‌ای دارد.

- برایتان از کشتی و چهار پایان چیزهایی قرار داد که سوارش شوید.  
- «لَتَسْتَبَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ - تا بر پشت آن‌ها قرار گیرید و آن‌گاه هنگام قرار گرفتن بر پشت آن‌ها، به یاد نعمت پروردگارتان افتید و بگویید: منزّه است آن خدایی که این مرکب را برای ما مسخر کرد و گرنه ما نمی‌توانستیم آن را رام خود کنیم.» مراد به یاد آوردن نعمت رب بعد از استواء بر پشت حیوان یا کشتی، این است که به یاد نعمت‌هایی بیفتی که خدا آن‌ها را مسخر انسان کرده و انسان از آن‌ها استفاده می‌کند. مثلاً از یک محل به محل دیگر می‌رود و بار و بنه خود را حمل می‌کند. همچنان که در جای دیگر فرمود: «کشتی‌ها را مسخر کرد برای شما تا به امر خدا در دریا  
(۱۵۰) نظام آفرینش

جریان یابد،» (۳۲ / ابراهیم) و نیز فرمود: «و چهارپایان را آفرید... و بار و بنه خود را به وسیله آن به نقاط دوری حمل می‌کنید که بدون آن‌ها نمی‌توانید حمل کنید، مگر به جان کندن،» (۷ / نحل) و ممکن هم هست مراد به یادآوری نعمت، یادآوری مطلق نعمت‌ها باشد، چون معمولاً آدمی از یاد یک نعمت به یاد نعمت‌های دیگر نیز منتقل می‌شود. (۱)

## آیت رویش ازواج نیکو

۱- المیزان ج ۳۵، ص ۱۴۰.

آیت رویش ازواج نیکو (۱۵۱)

«أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ!» (۸ / شعراء)

- هیچ‌نگاهی به این نباتات که از زمین رویانیدیم، نباتاتی که جفت‌هایی کریمند، نیفکندند؟

رؤیت در این جمله متضمن معنای نظر و تفکر است. مراد به زوج کریم - به طوری که گفته‌اند - به معنای زوج نیکو است، آن نباتاتی است که خدای سبحان نر و ماده‌شان خلق کرده. بعضی از مفسرین گفته‌اند: مراد به آن همه موجودات رویدنی است، چه نبات و چه حیوان و چه انسان، به دلیل این که در جای دیگر در خصوص انسان فرموده: - «إِنَّ فَيْذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ!»

کلمه «ذَلِكَ» اشاره است به داستان رویانیدن هر جفتی کریم، که در آیه قبلی بود و از

(۱۵۲) نظام آفرینش

این جهت آیت است که هر یک از این جفت‌ها را ایجاد کرده و نواقص هر یک از دو طرف زوج را با دیگری برطرف کرده است. و هر دو طرف را به سوی آن غایتی که بدان منظور ایجاد شده‌اند، سوق داده و به سوی آن هدف هدایت نموده است. و خدایی که

چنین سنتی در همه کاینات دارد، چه طور ممکن است امر انسان‌ها را مهمل بگذارد؟ و به سوی سعادتش و آن راهی که خیر دنیا و آخرتش در آن است، هدایت نکند؟ این، آن حقیقتی است که آیت رویدنی‌ها بدان دلالت دارد. (۱)

### نظام ازواج و تلقیح در گیاهان و تأثیر باران و نیروی ثقل در رویش گیاه

«وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ فَاَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَاسْقَيْنَا كُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ

۱- المیزان ج ۳۰، ص ۸۸.

نظام ازواج و تلقیح در گیاهان... (۱۵۳)

بِخَاذِرِينَ!﴾ (۲۲/حجر)

امروزه در مباحث گیاه‌شناسی مسلم شده که مسئله نر و مادگی در تمام گیاهان هست و بادها در وزش خود ذراتی از گرد گل گیاه نر را به گیاه ماده منتقل می‌کنند و آن را بارور می‌سازند. قرآن کریم در آیه مورد بحث همین حقیقت را پرده برداری می‌کند و می‌فرماید: «ما بادها را برای کار تلقیح فرستادیم.»

- «فَاَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَاسْقَيْنَا كُمُوهُ!﴾

جمله فوق اشاره به باران است که از ابرها فرو می‌ریزد. در مباحث علمی عصر مسلم شده که آب موجود در کره زمین از باران‌هایی جمع شده که از آسمان فرو ریخته‌اند.

(۱۵۴) نظام آفرینش

آیه مورد بحث که با قسمت اولش یعنی جمله «وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ»، مسئله نر و مادگی و تلقیح گیاهان را و با قسمت دومش یعنی جمله «فَاَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَاسْقَيْنَا كُمُوهُ»، مسئله پیدایش آب را از باران اثبات نموده است، هم‌چنین آیه قبل که داشت: «وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ»، به یک حقیقت علمی دیگر اشاره نموده و آن این است که وزن در رویدن نباتات مؤثر است. و این خود یکی از دقایق علمی امروز است، که قرآن کریم گوی سبقت را در آن از همه آکادمی‌های علمی جهان ربوده است و کشف این اسرار در چهارده قرن قبل به وسیله قرآن کریم دست کمی از معجزه ندارد، بلکه همان معجزه است. (۱)

۱- المیزان ج ۲۳، ص ۲۱۴.

نظام ازواج و تلقیح در گیاهان... (۱۵۵)

### تکون ازواج مختلف میوه‌ها و ثمرات

«وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا رُزُوجِينَ اثْنَيْنِ!﴾ (۳۰/رعد)

- از جمیع میوه‌هایی که ممکن است تکون یابد، در زمین انواع مختلفی از حیث نوع و از حیث تابستانی و زمستانی، و از حیث شیرینی و غیر آن و تری و خشکی آن قرار داد.

این معنای معروف در تفسیر کلمه «رُزُوجِينَ اثْنَيْنِ» است و بنابراین تفسیر، مقصود از دو زوج دو صنف خواهد بود، که یک صنف با صنفی دیگر مخالف باشد، چه این که صنف

(۱۵۶) نظام آفرینش

سومی داشته باشد یا نداشته باشد.

در تفسیر جواهر در ذیل «رُزُوجِينَ اثْنَيْنِ» گفته است: خداوند در زمین از هر صنفی از میوه‌ها زوج قرار داده، یعنی دو تا، یکی نر و یکی ماده، که ازدواج آن‌ها در گل‌هایشان صورت می‌گیرد.

گفتار وی هر چند از حقایق علمی است که هیچ تردیدی در آن نیست، لکن ظاهر آیه کریمه با آن مساعدت ندارد، چه ظاهر آیه این است که خود میوه‌ها زوج و دو تا هستند، نه این که از درختی خلق می‌شوند که آن درخت‌ها زوج و دو تایی باشند. (۱)

۱- المیزان ج ۲۲، ص ۱۷۱.

تکون ازواج مختلف میوه‌ها و ثمرات (۱۵۷)

### اثر خاک در رشد گیاه و ازواج نبات

«وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ!» (سوره حج/۶۵)

زمین بعد از آن که ما آب را بر آن نازل کردیم از هر صنف از اصناف گیاهان دارای بهجت، یعنی رنگ خوش و برگ و گل خندان برویاند. ممکن هم هست مراد به زوج معنای مقابل فرد باشد، برای این که در جاهای دیگر کلام خدای تعالی این معنا (۱۵۸) نظام آفرینش

ثابت شده، که گیاهان نیز ازدواج دارند، همچنان که برای آن‌ها حیات و زندگی اثبات شده است و علوم تجربی امروز نیز با آن موافق است.

حاصل معنا این است که زمین در رویاندن گیاهان و رشد دادن آن‌ها اثری دارد، نظیر اثر رحم در رویاندن فرزند، که آن را از خاک گرفته و به صورت نطفه و سپس علقه و آن گاه مضغه و آن گاه انسانی زنده در می‌آورد. (۱)

۱- المیزان ج ۲۸، ص ۲۰۷.

اثر خاک در رشد گیاه و ازواج نبات (۱۵۹)

### فصل دوم: نظام ازواج انسان

#### آفرینش زوج انسان و آرام دل او

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا!» (اعراف / ۱۸۹)

- ای گروه بنی آدم خدای تعالی آن کسی است که شما را آفرید «مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ»، (۱۶۰)

از تن واحدی که پدرتان بود و «جَعَلَ مِنْهَا»، و از آن یعنی از نوع آن «زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا»، همسرش را آفرید تا آن مرد به داشتن آن همسر دل آرام شود. (۱)

#### نعمت آفرینش زوج برای انسان و تشکیل خانواده

«وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً!» (نحل / ۷۲)

۱- المیزان ج ۱۶، ص ۲۹۷.

نعمت آفرینش زوج برای انسان و تشکیل خانواده (۱۶۱)

- خداوند برای شما از همسرانتان فرزندان و یاورانی قرار داد که به خدمت آنان در حوائج‌تان استعانت بکنید و با دست آنان مکاره و ناملايمات را از خود دور سازید و ارزاق طیب که عبارت است از هر متاع دلپسندی که روزی‌تان کرد، مانند آب و انواع میوه‌ها که عمل خود شما در پیدایش آن‌ها دخالت نداشته و مانند طعام‌ها و لباس‌ها و امثال آن که سعی و عمل خود شما در

پیدایش آن‌ها مؤثر بوده است.

«أَقْبَالِ الْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ» - آیا به باطل ایمان می‌آورند و به نعمت خدا کفران می‌ورزند؟»

مقصود از نعمت همان است که همسرانی از جنس خود بشر برای ایشان درست کرد و فرزندان و نوه‌هایی از همسران پدید آورد، چه این از بزرگترین و آشکارترین نعمت‌هاست، زیرا اساسی تکوینی است که ساختمان مجتمع بشری بر آن بنا می‌شود و (۱۶۲) نظام آفرینش

اگر آن نبود مجتمعی تشکیل نمی‌یافت و این تعاون و همکاری که میان افراد هست پدید نمی‌آمد و تشریک در عمل و سعی میسر نمی‌شد و در نتیجه بشر به سعادت دنیا و آخرت خود نمی‌رسید.

آری اگر بشر این رابطه تکوینی را که خدا به او انعام کرده قطع کند و این رشته پیوند را بگسلد، آن وقت به هر وسیله دیگری که فرض شود متوسل گردد، جا پر کن این رابطه تکوینی نگشته جمعش جمع نمی‌شود و با متلاشی شدن جمع بشر و پراکندگی و حدتش هلاکتش قطعی است. (۱)

۱- المیزان ج ۲۴، ص ۱۸۹.

آیت خلق زوج برای انسان و عوامل ... (۱۶۳)

### آیت خلق زوج برای انسان و عوامل تولید رحمت و محبت

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا...!» (۲۱ / روم)

کلمه «زَوْج» به هر یک از نر و ماده حیوانات در صورتی که جفت هم شده باشند اطلاق می‌شود، همچنان که به هریک از دو قرین چه حیوان و چه غیر حیوان نیز زوج گفته می‌شود، خدای تعالی فرموده: «فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى - خدا از آن دو زوج قرار داد، یکی نر و یکی ماده»، (۳۹ / قیامت) و نیز فرمود: «به آدم گفتیم که تو و زوجت در بهشت منزل کنید.» (۳۵ / بقره) این که فرمود: «أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»، معنایش (۱۶۴) نظام آفرینش

این است که برای شما از جنس خودتان زوج آفرید. (و کلمه «برای شما» معنایش به منظور فایده و نفع شماست.)

آری هر یک از مرد و زن از جهاز تناسل، دستگاهی دارند که این دستگاه به کار نمی‌افتد، مگر وقتی که با دستگاه طرف مقابل جمع شود و از مجموع آن دو، مسئله توالد و تناسل صورت گیرد، پس هر یک از آن دو در حد خود و فی نفسه ناقص و محتاج به طرف دیگر است و از مجموع آن دو، واحدی تام و تمام درست می‌شود و به خاطر همین نقص و احتیاج است که هر یک به سوی دیگری حرکت می‌کند، و چون بدان رسید آرامش و سکونت می‌یابد، چون هر ناقصی مشتاق به کمال است و هر محتاجی مایل به زوال حاجت و فقر خویش است و این حالت همان شبقی است که در هر یک از این دو طرف به ودیعت نهاده شده است.

آیت خلق زوج برای انسان و عوامل ... (۱۶۵)

«وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً!»

کلمه «مَوَدَّة» تقریباً به معنای محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد، در نتیجه نسبت مودت به محبت نسبت خضوع است به خشوع، چون خضوع نیز آن خشوعی را گویند که در مقام عمل هم اثرش هویدا شود، به خلاف خشوع که به معنای نوعی تأثر نفسانی است، که از مشاهده عظمت و کبریایی در دل پدید می‌آید. و اما «رَحْمَت»، این کلمه به معنای نوعی تأثیر نفسانی است، که از مشاهده محرومیت محرومی که کمالی را ندارد و یا احتیاج به رفع نقیصه خود دارد، در دل پدید می‌آید و صاحب‌دل را وادار می‌کند به این که در مقام برآید او را از محرومیت نجات داده و نقیصه‌اش را رفع کند.

یکی از روشن‌ترین جلوه‌گاه و موارد خودنمایی مودت و رحمت، جامعه کوچک

(۱۶۶) نظام آفرینش

منزل است، چون زن و شوهر در محبت و مودت ملازم یکدیگرند و این دو با هم و مخصوصاً زن، فرزندان کوچکتر را رحم می‌کنند، چون در آن‌ها ضعف و عجز مشاهده می‌کنند و می‌بینند که طفل صغیرشان نمی‌تواند حوائج ضروری زندگی خود را تأمین کند، لذا آن محبت و مودت وادارشان می‌کند، به این که در حفظ و حراست و تغذیه و لباس و منزل و تربیت او بکوشند و اگر این رحمت نبود، نسل به کلی منقطع می‌شد و هرگز نوع بشر دوام نمی‌یافت.

نظیر این مورد مودت و رحمتی است که در جامعه بزرگ شهری و میان افراد جامعه مشاهده می‌شود، یکی از افراد وقتی هم‌شهری خود را می‌بیند، با او انس می‌گیرد، و احساس محبت می‌کند و مسکینان و ناتوانان اهل شهر خود را که نمی‌توانند به واجبات زندگی خود قیام کنند، ترحم می‌نماید.

آیت خلق زوج برای انسان و عوامل ... (۱۶۷)

به طوری که از سیاق بر می‌آید مراد به مودت و رحمت در آیه همان مودت و رحمت خانوادگی است.

– «لَا يَهَّ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ!»

چون وقتی درباره اصول تکوینی خویش بیندیشند، که آن اصول بشر را وادار کرد به این که تشکیل جامعه خانوادگی دهد، مرد را دعوت کرد تا با زن و زن را دعوت کرد تا با مرد جمع شود و اجتماعی منزلی پدید آورند و نیز آن دو را به مودت و رحمت واداشت و آن مودت و رحمت نیز اجتماع مدنی و شهری را پدید آورد و چه آثاری بر این اجتماع مترتب شد، نوع بشری بقا یافت و زندگی دنیایی و آخرتی انسان به کمال رسید، آن وقت متوجه می‌شوند که چه آیات عجیبی در آن‌ها هست و خدای تعالی چه تدابیری در امر این نوع از موجودات به کار برده، تدابیری که عقل را

(۱۶۸) نظام آفرینش

حیران و دهشت‌زده می‌کند. (۱)

### خلق زوج انسان و انزال ازواج چهارپایان و تکثیر آن‌ها

«خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ!» (۷ / زمر)

خطاب در این آیه به عموم بشر است و مراد به «نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» به طوری که نظایر این آیه تأیید می‌کند آدم ابوالبشر است و مراد به همسر آن نفس واحده،

۱- المیزان ج ۳۱، ص ۲۶۷.

خلق زوج انسان و انزال ازواج چهارپایان ... (۱۶۹)

همسر اوست که از نوع خود اوست و در انسانیت مثل اوست. کلمه «ثُمَّ» برای تراخی و تأخر رتبی در کلام است. مراد این است که خدای تعالی این نوع را خلق کرد و افراد او را از یک نفس واحد و همسرش بسیار کرد.

کلمه «أَنْعَام» به معنای شتر و گاو و گوسفند و بز است. اگر آن‌ها را هشت جفت خوانده، به اعتبار روبرهم نر و ماده آن‌هاست. و نیز اگر از خلقت چهارپایان در زمین تعبیر کرده به این که ما آن‌ها را نازل کردیم، با این که این چهار جفت حیوان از آسمان نازل نشده‌اند، به این اعتبار است که خدای تعالی ظهور موجودات در زمین را بعد از آن که نبودند، انزال خوانده، چون در آیه شریفه «وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَسَخَّ اللَّهُ الْبَلَائِطَ وَالنَّجَّاتِ كُلِّ وَاحِدٍ جَنَّةً مَدِينًا لِيُخْرِجَ مِنْهَا وَأَسْمَانَ تَجْرُكُ فِي سَبْعِ سَمَاوَاتٍ» (۲۱ / هود) که در آنجا آمده است، به طور کلی موجودات را نازل شده، یعنی اندازه‌گیری شده از خزینه‌هایی می‌داند که

(۱۷۰) نظام آفرینش

از هر چیز بی‌اندازه‌اش در آن جاست. (۲۱ / حجر)

- «يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّنْ بَعِيدٍ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ!» (۸ / زمر) این جمله بیان کیفیت خلقت نامبردگان قبلی، یعنی انسان و انعام است و در این که خطاب را تنها متوجه انسان کرده می‌فرماید «شما را خلق می‌کند» به اعتبار این است که این پنج نوع جاندار، تنها انسان دارای عقل است و لذا جانب او را غلبه داده، و بر دیگران چربانده است و معنای خلق بعد از خلق پشت سر هم بودن آن است، مانند خلقت نطفه، سپس نطفه را علقه کردن و آن گاه خلقت علقه را و آن را مضغه کردن، و هم‌چنین و مراد به ظلمات ثلاث به طوری که گفته‌اند ظلمت شکم و ظلمت رحم و ظلمت مشیمه (تخمدان) است. (۱)

۱- المیزان ج ۳۴، ص ۵۹.

خلق زوج انسان و انزال ازواج چهارپایان... (۱۷۱)

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی



ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه  
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...  
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای  
 و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)  
 ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...  
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه  
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال  
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید / حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان  
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:  
[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور  
 کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی  
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل  
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق  
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۵۳-۰۶۰۹  
 به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده  
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار  
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،  
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی  
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از  
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،  
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی

همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

